

۱۸
آثار عتیقہ کوئل خبر خانہ

Property of ACKU

مؤلف : ژوزف ہاکن
مترجم : سیدہ قاسم شیتا

از نشرات پبلیکیشنز
انجمن ادبی



آثار عتیقه کوتل خیر خانه

کابل

تالیف : پروفیسر هاکن

عضو هیئت عتیقه شناسی فرانسه در افغانستان

ترجمه : سید قاسم خان رشید

مدیر نشریات پشتون توله (انجمن ادبی)

از مدیریت نشریات انجمن ادبی نشر شد

کابل

۱۳۱۶

« مطبعه عمومی »



Recherches Archéologiques
au Col de Khair khaneh
près de Kâbul
Fouilles J. Carl et J. Hackin

PAR

J. HACKIN

Conservateur du Musée Guimet

Professeur à l'École du Louvre

Membre de la Délégation archéologique française en Afghanistan

Traducteur:

S. KASSEM RESHTIA

Directeur de la section de la presse et des publications
à l'Académie Afghane.

فهرست مندرجات

صفحه	
الف	۱ : - مضامین :
ج	تقریظ انجمن
۱	مقدمه مترجم
۱۷	فصل اول
۲۲	دوم
۴۷	سوم
	چهارم
	۲ : - تصاویر (تصاویر و اشکال داخل متن در فهرست گرفته نشده) :
۱	نقشه حوالی شهر کابل
۸	عمومی خرابه های کوتل خیرخانه
۹	آثار کوتل خیرخانه بصورت مکمل
۲۰	رب النوع آفتاب
۲۱	۲۴ مجسمه سوریا رب النوع آفتاب
۳۲	(انعام دهنده (سنگ مرمر)
۳۳	۲۲ - ب تکه های چراغ تبلی و ظروف سفالی
۴۳	۳۱ رب النوع آفتاب (از سنگ آبی)
۴۸	۳۲ - تکه از هاله رب النوع (مرمر)
۵۰	۳۳ - تکه يك سنگ سلیت منقوش

کتاب

آثار عتیقه کوتل خیر خانه

کابل

خاك پاك وطن عزیز که امروز مزین باثار و وسایل تمدن عصری و سالیان قبل هم تجلیل و زیبایی تمدن اسلامی داشته و آثار گران بهای آن که تا هنوز در دست و برای اثبات عظمت و ترقیات چند قرن قبل افغانستان همه شواهد معلوم و محسوسی بشمار میروند، همچنان اینخاك قدیم و تاریخی این افتخارات را بطور توارث دارا بوده و صفحات تاریخ از ادوار مختلفه خوشبختی و عظمت و مدنیت گذشته آن بحث مینماید. گرچه در همه نقاط وطن آثار یکباره جدار و برزبرکوها و مغارها و زیرزمینها محسوساً یا بطور تصادف کشف و ملاحظه شده هر کدام بذات خود موید اباحت تاریخی است ولی از زمانیکه کار حفاریات (آرکیولوژی) مستقیماً از طرف هیئت عتیقه شناسی فرانسه در خاك ما شروع گردیده خوشبختانه بحال یکمده مشکلات بزرگ تاریخی وطن ما کامیاب گردیده است و امروز علاقه مندان بتاریخ و افتخارات وطن میتوانند از ملاحظه این آثار، ادوار و طبقات هر تمدنی را در خاك خود تعیین و تمیز نمایند.

اوقاتی که فضلالی فرانسوی مصروف کنجکاوی و تحقیقات مجسمه های بامیان و حفاریات بگرام بودند، فکرمی شد که ما از تمدنهای بزرگ قبل از اسلام تنها بکشف تمدن بودایی

و یونانی موفق شده ایم . ولی در اثر حفریاتی که دانشمند فاضل موسیوهاکن عضو هیئت
عتیقه شناسی فرانسه بمعیت همکار خود موسیو کرل در سال ۱۳۱۲ بکو تل خیر خانه
(۱۲ کیلو متر بشمال غرب کابل) نمود معزی الیهم بکشف یکمده آثار و مجسمه های
ارباب انواع برهنی نیز موفق گردیدند که امروز عین این آثار در موزه کابل و موزه گیمه
پاریس موجود است و هر بیننده را بوجود تمدن گذشته برهنی در افغانستان معلومات میدهد .

موسیو هلاکن نسبت باین موفقیت خود راجع باثامذ کور راپورت کشفیات خود
را با تحقیقات تاریخی عمیقی که درین باره بعمل آورده در تحت عنوان « آثار مکشوفه از کوتل
خیرخانه » بصورت رساله بزبان فرانسه نوشته و همراه تصاویر و نقشه های زیاد وقشنگی
در پاریس طبع نمود و اخیراً عالیقدر فاضل جناب سید قاسم خان « رشتیا » مدیر شعبه نشریات
انجمن ادبی کابل (پشتوتولنه) که از جوانان لایق و فعال و طرفدار افتخارات وطن بوده
و نتیجه تحصیلات فرانسه و زحمات مکتب و استفادہ های فکری و مطالعات خود را از
چند یست که باهل و اولاد وطن خود افاده مینماید ؛ در سال ۱۳۱۵ این اثر را از زبان
فرانسه بفارسی ترجمه و تراجم مذکور در شمار های گذشته کابل و مساسل نشر گردیده
است ، اینک درین مرتبه عموم تراجم مذکوره بطور رساله جمع و بتصویب و نظریه انجمن
ادبی کابل بمطبعه عمومی بطبع رسیده و بواسطه این اثر از طرف جناب « رشتیا » کمکی
بسر مایه عرفانی وطن کرده شد . البته که قرائت این رساله از لحاظ فهمیدن حیات و
تاریخ و چگونگی زندگانی و افکار چند قرن قبل اهالی وطن برای اولاد امروزه خالی
از دلچسپی نبوده و بنابراین ما مطالعه آنرا قبلاً باهل وطن تو صیه مینمائیم ! (انجمن)

عرض مرام

آرزوی هر فرد وطن پرست اینست که از هر جنبه ممکن و میسر شود خدمتی برای
ملك و ملت خویش نموده باشد ، چنانچه برخی از رهگذر امور اداری و بعضی در رشته
عسکری و دسته در زمینه خدمات عرفانی و . . . و . . . و غیره حتی المقدور برای پیشبرد
این آمال مقدس بذل سعی مینمایند .

خوشبختانه پیشه و وظیفه موجود ، باینجانب موقع داده که در قسمت مقاصد عرفانی
برای روشن ساختن مفاخر تاریخی وطن محضه بکرم و با استفاده از موقع هر آنچه که درباره
معرفی مفاخر ملی پیش نظرم برسد ، به اخذ آن پرداخته برای استفاده وطن و هموطنان
عزیز آماده نمایم . منجمله اینک کتابی را که بتلویکی از طرف دانشمند محقق فرانسوی
جناب موسیو ژوزف هاکن راجع به آثار تاریخی منشوریه از کوتل خیرخانه (کابل)
تألیف و نشر شده است ، ترجمه و به پیشگاه فرزندان وطن تقدیم نموده ضمناً رجاء دارم
از سهو و خطائی که درین اثر از رهگذر نارسائی فکر و قلم مترجم و علمی بودن مضمون
و موضوع کتاب ملاحظه شود ، بنگاه اغماض بگذرند .

• رشتیا •

فصل اول

حفریاتی که بسال ۱۹۳۴ (زمستان ۱۳۱۳ ش) در نشیب مشرقی کوتل خیرخانه (۱) به ۱۲ کیلومتری شمال غرب کابل ذریعۀ هیئت عتیقه شناسی فرانسوی مقیم افغانستان بعمل آمده ، يك معبد بزرگ و به و ماحقات آن را مكشوف ساخته است . محلیكه آثار مزبور از آنجا كشف شده ، در انتهای يك دماغه سنگی وقوع دارد كه از سمت غرب جانب شرق امتداد یافته . دماغه سنگی مزبور يك پارچه كوه موسوم به كوه هزاره بغل كه بر دشت وزیر آباد حاكمیت دارد (نقشه ملا حفظه شود) ، مربوط و حصه شمالی ارتقااتی را تشكيل میدهد كه بر کوتل خیرخانه و راه بلخ كه در قدیم مهمترین راه مواصلات مابین آسیای مرکزی و هند بود ، حاكم است .

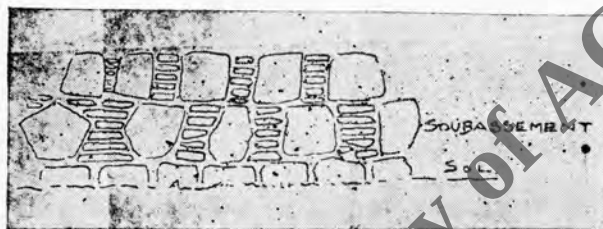
رخ معبد و ماحقات آن بطرف دشت وزیر آباد بوده (تصویر ۵) از تحت بام معبد ، انسان تا آن كوه هائی را نظاره كرده میتواند كه دشت مزبور را از سمت جنوب و جنوب شرق احاطه كرده است . از جهت شرقی رشته كوه های (شیرانی) و (چكری) بمشاهده میرسد و از يك بریدگی كه در حصه قلعه كوه چكری وجود دارد ، دور نمای میناری بظن می آید كه سابقاً بر فراز آن (در مه ككروه) یعنی نشانه قانون بودائی (مقصود منار چكری) نصب بود .

در فصل بهار فرور فنگی دشت وزیر آباد بفاصله وسیعی زیر آب می شود و دران

(۱) کوتل خیرخانه در نقشه هائی كه پیش از سال ۱۹۲۳ ساخته شده ، بنام کوتل خرس خانه نشان داده شده است .

وقت آب اطراف قامه های اطراف رخنه کرده بعضی اوقات تاقریه های (خوجه بغرا) و (وزیر آباد) نیز میرسد . دور تر بسمت جنوب خانه های کابل دیده می شود که در دامان کوه (شیر درواره) و (سیاسنگ) افتاده است (نقشه ملاحظه شود) . و وقتیکه غبار صبحگاهان از دامنه افق زائل میشود ، بسهولت تمام گنبد های ستوپه های (۱) شیوکی را در پای کوه چکری مشاهده میتوان کرد .

این بود تماشای که در زمانه های قدیم این معبد معتبر بودائی جلو نظر زائرین و وار دین هموار کرده اینوسیه آنها را به تفکر و عبادت وادار می ساخت .



محلکه ازان تنگ

نودیم ، در ماه فروری ۱۹۳۴ در ضمن جستجوی عتیقه شناسی از طرف موسیو (ژان کارل) کشف شده ، عمارات مخروبه زیر خاکهاییکه در اثر

(شکل اول)

ریزش باران های سیلابی موسم بهار از نشیب های شرقی کوه هزاره بفل جدا شده ، پنهان شده بود . چنانچه معبد و ملحقات آن بنظر بیننده ، بشکل غندی های مدور خورد و بزرگ معلوم می شد (تصویر - ۶) آنچه سبب کشف آثار مخروبه شد ، همانا عبارت از حمیدگی واضح قلعه یکی ازین غندی ها بود که توجه موسیو ژان کارل را بسوی خود جلب نمود ؛ اولین حفریاتی که در اوائل ماه مارچ بعمل آمد ، نتایج بسیار جرئت بخشائی داده ، بزودی يك قسمت از ملحقات معبد (ه - و - ز) از زیر خاک برآمد . کمر بند دیوار زیرین منبور مرکب بود از پارچه های ضخیم سنگ سلیت (۱) که روی هم گذاشته بودند و برای آنکه سنگ کاری محکمتر باشد بفاصله های معین بعضی سنگ

(۱) ستوپه بنای مخصوصی که بودائی ها دران تبرکات خود را میگذاشتند . مترجم

های بزرگ سلبت را بکار برده . رخ سنگهای مذکور را بدقت تمام حجاری و تزئین نموده بودند . چنانچه این طریقه تعمیر در عمرانات تاریخی جلال آباد و کابل بکثرت مشاهده رسیده است (شکل ۱ و ۲) .

وقتی که این نتایج

ابتدائی بدست

آمد کار حفاریات

از طرف موسیو

ژان کارل و

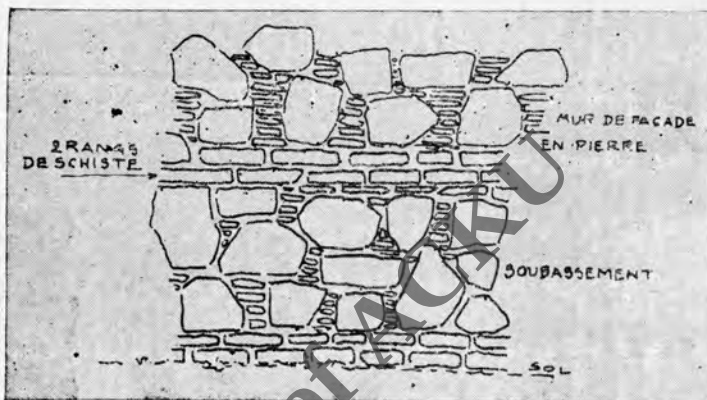
بمعاونت موسیو

(ای - با که)

بطور باقاعده

تعقیب گردید :

دیوار زیرین



(شکل دوم)

متدرجاً از زیر خاک بیرون کرده شد . زینۀ کدر رخ جنوبی این دیوار ساخته شد . بود ، مدخل عمده بنا را تشکیل میداد (تصویر ۲ - V) و تصویر ۱ - و مدخل ثانوی بر رخ شمالی عمارت تعبیه شده بود . از آن پس انسان داخل حویلی درونی و بعد از آن جامواسطۀ يك عمارت مایل (رخ شمالی دیوار زیرین) به تخت بام عبادت خانه میرسد . يك وسیله دیگر برای بالا شدن به عبادت خانه وجود داشته که عبارت است از زینۀ که مستقیماً صحن زمین را به تخت بام وصل میکند (تصویر ۱ -) این تخت بام که بر بالای آن هر سه عبادت خانه (الف - ب - ج) وقوع دارد ، در حقیقت عبارت است از بام هموار يك عمارت قدیمی تری (تصویر ۱ -) که دارای سه اطاق بوده . ولی هر سه اطاق مزبور مدخل

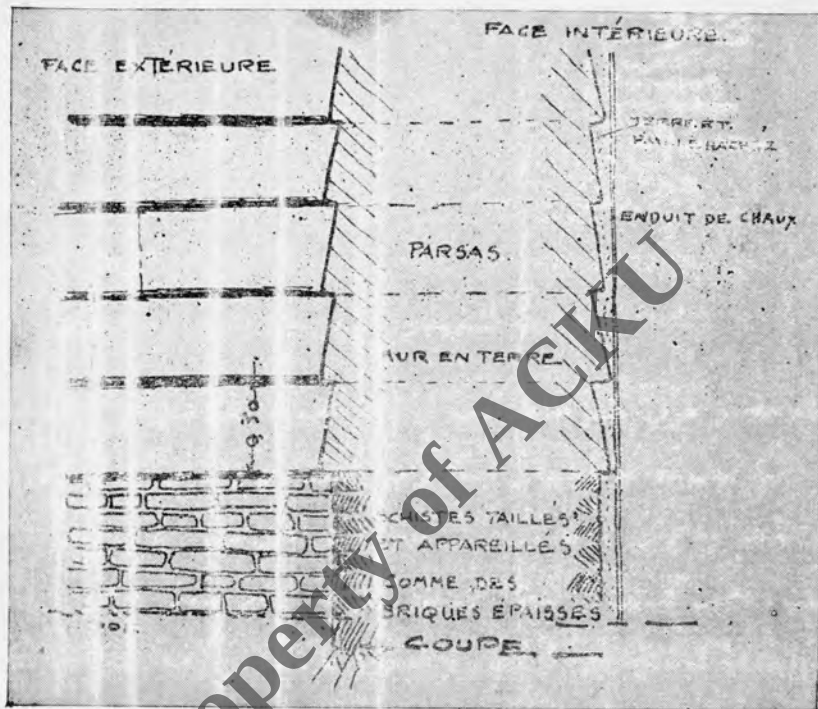
(۱) سنگ ورقه ورقه که برای کاری تهداب های عمارت بکار میرود و اصلاً از جنس

سنگ سلبت بوده ، در زبان فنی بنام (شیت) یاد میشود « مترجم »

واحدی داشته اند . ساختمان این دسته عمارات ابتدائی همراه خشت های بزرگ بزرگ خام بصورت خشت کاری بسیار منظم بعمل آمده (تصویر ۸) ورخ جارچی هر قطار خشت کاری کمی مایل دارد (شکل ۳ و ۴) وظاهر آ این احتیاط برای آن بکار برده شده بود تا آب باران و غیره در رد های هر قطار خشت کاری جریان پیدا نکرده بلکه بلافاصله پائین بریزد . در مرکز عمارت اطاق وسیعی وجود دارد که بر طرف آن دواطاق کوچک واقع است (تصویر ۱ -) که علت خوردی اطاقهای فرعی منور بر بسبب ضخامت غیر عادی دیوارهایی میباشد که درین اطاق بزرگ و اطاقهای کوچک وجود دارد . آن حصه که از خشت های خام بزرگ ساخته شده ، در اصول ساختمانی خود با ساختمان هر سه عبادت خانه هائیکه روی بام عمارت فوق الذکر تعمیر یافته ، بسیار فمق دارد . در اینجا باید بخاطر گرفت که عمارت ابتدائی مذکور . وقتیکه از نظر افتاد . داخل آن بطور باقاعده از مواد مختلفه مثل سنگ و خشت پر شده . به يك تهداب پرانه تبدیل یافته بود که روی آن عمارت جدید را آباد کردند . و این عمارت جدید را در فرصتیکه موسیو ژان کارل برای نشان دادن ساختمان اصلی آن روی کاغذ بصورت مکمل ترسیم و برنیک تری نمایش داده است (تصویر ۴) این عمارت بزرگ که بام آن هموار بود . سه حجره مستقل را دربر داشت . بطوریکه دینداران بقرار دلخواه . در داخل خود عمارت مراسم مذهبی (۱) خود را بجا آورده میتوانستند . هر یکی از این سه حجره (تصویر ۹) دارای يك مدخل علیحده بوده . روی آن بطرف خارج است . دیوارها با خاكرس استرکاری (چینه کاری) شده بمانند دیگر حصص عمارت دارای ته دابی از سنگ سلیت میباشد . هر حجره بصورت مدور بنا یافته که هر ضلع آن ۴۰ ر۵ متر طول دارد . ارتفاع داخلی حجره

(۱) عبادت منور موسوم به (پرادا کسینا) و يك قسم دعا و عبادت مذهبی بودائی ها بوده

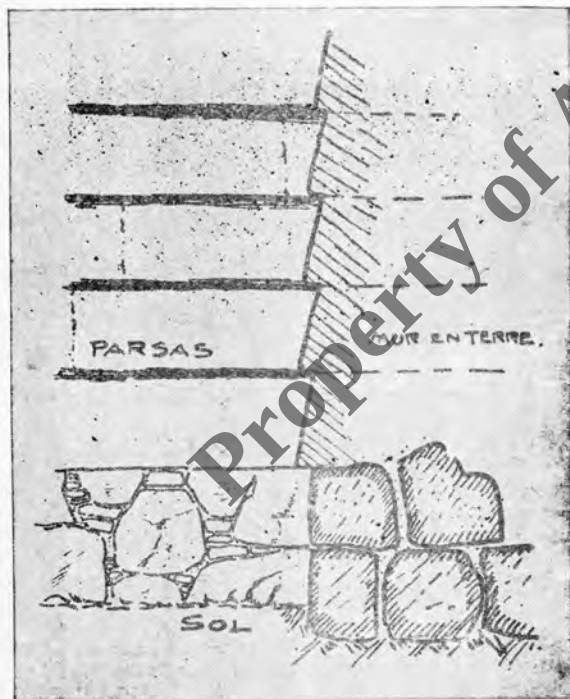
(الف ب) و نیز بشکل يك صفحه مربع عرش اندام میکند که وسعت آن بواسطه ارقام ۲۹۵X۲۹۵ بدست می آید یعنی (۲۵۰۷۰۸ متر) . اما چقوری حجره (ج) کتر



(شکل سوم)

بوده از ۳۵۰ متر تجاوز نمیکند. در ته هر یکی از این حجره ها يك کرسی وجود دارد که از تخته سنگهای سلیت روی هم گذاشته ، تشکیل یافته و به دیوار تکیه دارد . این کرسی در چند نقطه بواسطه سنگهای تزئینی برجسته که در داخل کرسی مزبور بشکل باروهای کلفتی تعبیه شده ، قطع گردیده است (تصویر ۸ - ۹ و تصویر ۹ - ۱۰) . کرسی مذکور پوشیده از يك تعداد تخته سنگهای سلیت است که بدقت تمام تراش یافته و گوشه های آن قدری از اصل کرسی ، بیرون برآمده (تصویر ۹ - ۱۰) . سه سوراخ چار گوشه در سطح این صفحه سنگی تعبیه شده است : یکی در مرکز و دو تای دیگر در دو طرف

سوراخ مرکزی . در سو راخ های سه گانه ، سه مجسمه پيشوايان بودائی را نصب کرده . و برای وصل کردن ، ورقه های نازك سنگ سلیت را بكار برده اند . پس باینقرار مجموع مجسمه های مذکور در هر سه حجره عبارت از ۹ مجسمه بوده است . موسیو ژان کارل در وقت کشف کرسی حجره (الف) سکوی مرمر سفیدی را بدست آورده که روی آن هنوز دوپای يك مجسمه وصل است (تصویر ۱- تصویر ۱۰-) و تصویر ۱۱- () . همچنین از میان خاکهایی که زاویه راست قسمت عقب حجره (الف) را مملو ساخته ، يك مجسمه کوچکی کشف شده که يك (معطی) یعنی انعام دهند را نمایش میدهد



(شکل چهارم)

و آن مجسمه از روی این سکویی که فوقاً به آن اشاره رفت ، کشف شده بود . مجسمه کرب النوع آفتاب و مصاحبین او را نشان میدهد (تصویر ۱۴ و تصویر ۱۶) در جریان عملیات صاف کردن دالان جدا کننده حجره (ب) و حجره (ج) کشف شده است . و بغير این ها دیگر هیچ يك مجسمه کشف نشده مگر بعضی تکه های هاله نوریکه دور مجسمه رب النوع آفتاب را همراه آن احاطه میکردند و برخی قطعات زیور و غیره . تمامی اشیائی که اراینجا کشف شده (تصویر ۱)

باستثنای يك تکه سنگ سلیت حجاری شده ، عموماً از سنگ مرمر سفید بسیار اعلی تراش یافته است . بنائی که این هر سه حجره را مستور میداشت ، به يك عمارت نسبتاً بزرگی تکیه

داشته که باثر باد و باران و غیره عوامل طبیعی ، خیلی صدمه دیده است (تصویر ۲
 ۴۰۳ ، شکل تر میم و تکمیل شده آن را نشان می دهد) . این عمارت اخیر الذکر نیز
 روی عبادت خانه ابتدائی که فوقاً بسوی آن اشاره شد (تصویر ۱) بنایافته بود .
 يك اطاق وسیع دیگری (اطاق د) نیز وجود داشت که مدخل آن در يك پهلوی
 واقع ، و چنان بنظر می آید که بدان تر بقسم الحاقیه تعمیر شده باشد . باید بخاطر گرفت
 که بر رخ شمالی عمارت اخیر الذکر يك دیوار وصل شده که دیوار احاطه کننده تصور میشود .
 میتوان درك کرد که عمارت مخروبه که سمت جنوب و سمت شرقی و يك قسمت از سمت
 شمال حویلی درونی را احاطه کرده ، عبارت از رهایش گاه رهبانان عبادت خانه بوده
 است (تصویر ۱-۲-۳) يك الحدیث ها و آتش خانه ها ، در نزدیکی رهایش گاهای سمت شمالی
 و قدری پایان تر از آن وقوع داشته و مدخل تمامی این ملحقات بطرف شرق بوده است . باین سمت ،
 دیوار زیرین خیلی کسب ارتفاع نموده و شکل برج و بارو را بخود گرفته (تصویر ۴)
 در اطاق (ه) (و) (شکل ۱۷) چندین چراغ و کوزه های فراوانی از گل پخته بد ساخت
 از زیر خاک بیرون آمده که در حصه مدور بعضی از این کوزه ها ، تزئینات مختلفه
 کمی بر جسته تعبیه کرده اند (بلندی اوسط این کوزه ها يك متر و قطر حصه مدور
 آن ۶۰ سانتی متر میباشد) - در اطاق (و) دو قطعه مسکوک فلزی (از مس یا مفرغ)
 بدست آمده که روی آن شکل ملك « ناپکی » از سلاله کوشانی و ساسانی (قرن
 پنجم و شش بعد از مسیح علیه السلام) نقش است . (۱)

اینك از تشریح و معرفی عماراتی که مابین محوطه دیوار وقوع دارد ، یعنی معبد
 و ملحقات آن فارغ شده ، اکنون بدکر آن ملحقات دیگری میپردازیم که در سمت غرب

(۱) کتاب « مجموعه تصاویر مسکوکات موزه خانه هندوستان » اثر ونسنت . ای . سث .

طبع کلکته صفحه ۲۳۵ و تصویر ۲۵ و نمره ۲ و ۳ .

Vincent, A. Smith, Catalogue of the Coins in the Indian Museum
 Calcutta

و شرق مجموعه بناهای واقعه در داخل زمین پرانه ، واقع و اطراف آن را دیوار زیرین احاطه کرده است ، عمارت (ز) (تصویر ۱۸) که به رخ غربی دسته عمارات اساسی نزدیکتر میباشد ، از خارج بشکل يك پشته مكعبی جلوه مینماید كه فقط يك منفذ داشته و این منفذ با مدخل در رخ شرقی آن تنبیه شده باشد . مدخل مزبور به دالانی منتهی میشود كه دالان مذکور به دو اطاق مربوط است . و زینة كه در سمت چپ مدخل ساخته شده ، تا بام عمارت امتداد یافته (تصویر ۱ - ۲ - ۳) دیوار های این عمارت از خشت خام و از روی يك ته داب مر كب از سنگهای ناتراشیده بد شكل بنا یافته بادیار خوشنما و خشت كاری منظمی كه در پای عمارات (الف - ب - ج) مشاهده رسیده هیچ شباهتی ندارد . ممكن است این بنا همان تر ساخته شده و از دسته عمارات عمده علامه باشد . همچنین ، تعداد چهار كنجه كه در زوایای قسمت های مدور ، واقعه در غرب عمارت (ز) تعمیر شده ، (تصویر ۲۶ - ۱۸) همین نظر به را بخاطر خطوط می دهد . این عمارت بسیار بزرگ و با قسمتهای سنگ كاریهای غیر منظمی از سنگ سلبت را در بر دارد ، از پائین تا بلند ، این حصص آن بقدر يك متر هم فرق مشاهده نمیرسد . چون نقشه این بنا (تصویر ۱ - ۳ - ۴) هیچ شباهتی با سبك های معماری مكشوفه ندارد ، بنا بران قائم كرده كدام فرضیه نسبت به مورد استعمال این عمارت كه معماران آن ، ای چه خدمتی عمارت مذکور را ساخته اند ، يك اقدام جسارت كارانه گفته خواهد شد .

الحاقه دیگر كه در شرق دسته عمارت عمده واقع است ، از عمارت فوق الذ كر كرده دلجست تر معلوم میشود زیرا حفراتی كه ابتدا درین قسمت بواسطه موسیو كارل بعمل آمد ، ثار كنجكای انگیزی را ظاهر ساخت : مثل تكه دیوار كو چك احاطه كنده كه عمارت بزرگی مربوط میباشد - (تصویر ۲۶ - ۱۹) كه عمارت مزبور ظاهراً باید معبدی باشد كه در هوای آزاد بنا یافته . بنا بران در ماه نوامبر و دسمبر (۱) ۱۹۳۴

8

نقشه عمومی خرابه ها و بناات اولیه

PLAN GENERAL DES ETAT ACTUEL

A L'ECHELLE DE 0/000
مقیاس ۰۰۰۰ متر

- LA STELE REPRESENTANT LE DIEU SOLAIRE ET SES BOULX ACCOMPAGNES A DES TROUVES
- LE FRAGMENT DE STATUE AUX BRAS ENLEVES
- LA STATUE DE BRONZE TANT LE DONATEUR EN
- LES DIFFERENTS FOYERS
- LES JARRES

LES 3 SANCTUARIES
هر سه عبادت گاه

L'ENTREE PRINCIPALE
محل ورود

TERRASSE SUPERIEURE
محل نشانی

COUR INTERIEURE
محل داخلی

L'ENTREE SECONDAIRE
محل ورود

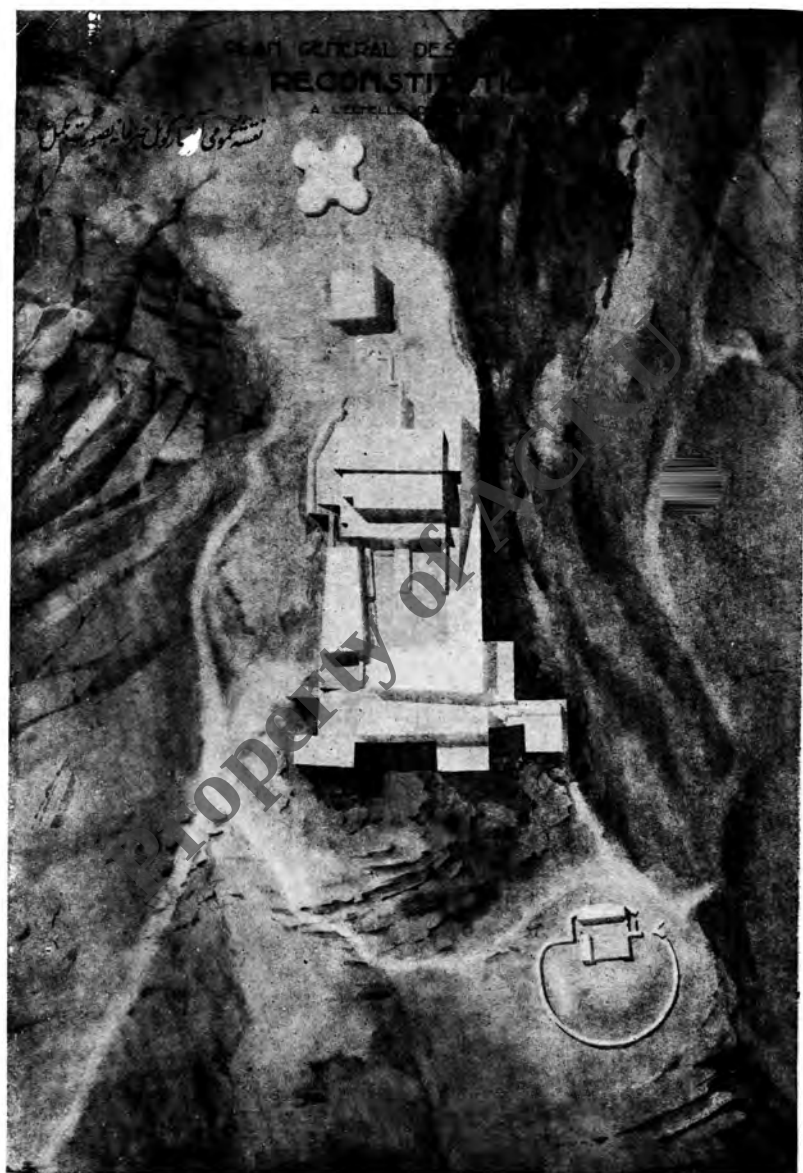
LES COMMUNS
الفاظ

AUTEL PRINCIPAL
عبادت گاه اساسی

AUTEL SECONDAIRE
عبادت گاه ثانوی

ANCIEN SANCTUAIRE
COMBLE ET UTILISE COMME TERRASSE POUR LES TROIS SANCTUARIES

نقشه عمومی خرابه ها و بناات اولیه



نقشه عمومی آثار کوئل خبر خانه بصورت مکمل

يك قسمت حفريات اصولی بزیر نظر خود نگارنده (موسیو ژوزف هاكن) در آن حصه شروع شد ، يك دسته عمارات كه ساختمان مخصوصی داشت ، از زیر خاك بیرون آمد . (تصویر ۱۹ و تصویر ۲۰) . این بنا شامل دیوار کوچکی است كه بانی مهارت تعمیر یافته و در ساختمان آن خاك آلوده با كچ استعمال گردیده . بلندی دیوار ۵۰ سانتی متر و عرض آن مابین ۷۰ و ۸۰ سانتی متر میباشد (نقشه ۱ - و تصویر ۲۶ - ۱۹) . دیوار احاطه كنده مذکور ، تا حد عمارت (ی - ك) واضحاً بصورت مدور امتداد یافته كه قطر آن به ۲۹ متر میرسد در حد عمارت (ل - م) استقامت خفیفی پیدا کرده و در حد (ل) گویا دیوار دیگری شروع شده كه به ۱۰ متر جنوبی معبد اتصال یافته است (تصویر ۱ -) جانب راست يك بریدگی مشاهده میرسد كه در حقیقت جای مدخلی (دروازه) میباشد - عمارت بزرگ (ق) كه مثل معبدی در نظر ما جلوه میكند (تصویر ۲۷ - ۱۱) از روی نقشه ساختمانی خود مسطیلی گفته میشود كه رخ غربی آن کمی مدور است (تصویر ۲۸ - ۱۱) . تهاذب سنگی این بنا بكمال دقت تعمیر و سنگ کاری آن بصورت بسیار درستی بعمل آمده . نشانه استرگچی بر رخ جنوبی بنا هنوز مشاهده میشود . حفریاتی كه در وسط حصه فوقانی تعمیر (تصویر ۲۹ - ۲۲) بعمل آمده ، سنگ کاری هائی را مكشوف ساخته كه با انتظام تمام روی هم قرار گرفته و در سنگ کاری خاكستر خفیف و خاك آمیخته با خاكستر ذغال بكار رفته است . در پای معبد ، نزدیک سطح زمین ، استخوان های انسانی ، تکه های ججمه ، بازو ، توله پای بمقدار كثیر از زیر خاك بیرون آمده . در هر دو انتهای شرقی این معبد عمده ، بصورت عمودی دو بنای بزرگی بلند شده (تصویر ۲۲) (ر - ش) كه نقشه آن مسطیل و انتهای رخ شمالی و جنوبی آنها بقسم بریدگی خفیفی امتداد یافته است . اما چنان بنظر می آید كه برآمدگی سمت شمالی بریدگی عمارت (ش) بعدها در اثر كدام ترمیم قطع شده خواهد بود . نقشه مخصوص و عجیب این الحاقیه ما را وادار میسازد كه در باب تعیین مورد استعمال آن ، از اظهار نظریه خود داری نمائیم . لیكن باوجود این جسارت نخواهد بود اگر تندر بدھیم كه این محوطه برای كدام مقصد مذهبی

ساخته شده بلکه در خود تمایل احساس میکنیم که بگوئیم محل مزبور برای اجتماع عادی اهل مذهب تعمیر یافته خواهد بود .



این سه حجره مستقل که در يك عمارت واحد زیر يك بام هموار واقع بوده علاوه بر بام مذکور دالان های رواق داری را در بردارد ، مجموعاً يك عمارتی را تشکیل میدهد که ما میتوانیم از ناحیه مهندسی آنرا با عمارت دیگری مقایسه کرده ، خصوصیات بسیار دلچسپی را از آن استخراج نماییم ، بطور مثال معبد کوچکی را که سال ۱۹۲۰ نزدیک قریه (بهومارا) در ولایت (ناگود) به ۱۵۰ کیلومتری جنوب غرب الیه آباد هند (۱) کشف و اصلاح برای (سیوا) معبد هندوها ساخته شده است ، نمونه قرار میدهیم . این معبد که بقدر نظریه مستر آر. دی بنرجی ، در وسط قرن ۵ مسیحی بعقیده مستر جان مارشل ، در قرن هفتم میلادی تعمیر یافته ، يك نمونه مشخص مهندسی براهمانی سبک کوپتا بشمار میرود مستر بنرجی اظهار نظریه نموده است که معبد مزبور کاملاً شبیه معبد پرواتی ، (۲) است که بمقام ، نشنا کوتهارا ، در ولایت اجی کاکره ،

(۱) کتاب « معبد سیوا در بهومارا - خاطرات اداره عتیقه شناسی هندوستان » نمره ۱۶

طبع کلکته ۱۹۲۴ تألیف بنرجی R. D. Benerji, The temple of Siva at Bhumara, Memoir of the Archoeological Survey of India .

(۲) کتاب « راپورت هیئت عتیقه شناسی » تألیف کننگهام جلد ۱۱ صفحه ۹۵-۹۷

Cunningham, Archoeological Survey Reports

و دیگر کتاب « مجموعه راپورت تدریجی هیئت عتیقه شناسی هندوستان ، دائرة غربی بابت سالیکه در ۳۱ مارچ ۱۹۱۹ خاتمه یافته ، صفحه ۶۰ - ۶۱ فقره ۲۶ تصویر ۱۵ . Annual Progress Report of the Archoeological Survey of India ، کماندی پلاو سان ، واقع در جاوا که اصلاً از پیروان مذهب بودائی بوده اما نقاشی های آن باسم سیوانی (براهمانی) میباشد و شامل سه حجره ایست که از پهلوراه دارند ملاحظه شود کتاب آثار بودائی باتا ویا تألیف جی. ایل منز De tjandi mendet, tijdschrift von het Bataviaasch genootschap von kunsten en wetenschappen. J.L. Moens

در باغ کائی نزدیک دهه هم يك حجره رواق دار کشف شده . (حفريات ژ. - بارتو)

تقریباً ۶۰ کیلومتر بشمال غرب قریه (بهومارا) وقوع دارد . تنها فرقیکه مابین معبد نشنا کوتهارا و معبد بهومارا وجود دارد، اینست که اول الذکر دارای يك طبقه فوقانی بوده اما اخیر الذکر طبقه فوقانی ندارد و فقط دو عبادت خانه بسیار كوچك در دو طرف زینة آن كه بر صحن زمین فرود می آید ساخته شده است . اما در هر دو معبد مذکور (عبادت گاه اصلی كرهها كرها) اريك اطاق بسیار بزرگی محاط میباشد و فاصله بین دیوار داخلی شكل يك رواق مدور، پرا داكسینا پاها دارد برای آنكه مقایسه ما خوبتر در نظر خواننده مجسم شده بتواند ابعاد هر سه معبد یعنی اول معبد نشنا کوتهارا دوم معبد بهومارا و سوم معبد کوتل خیر خانه (كابل) را نیز شرح میدهم . این ابعاد عبارت از بزرگی يك حجره است .

ابعاد داخلی

ابعاد خارجی معابد

معبد نشنا کوتهارا ۲۴۵ متر مربع

معبد نشنا کوتهارا (هند) ۴۷۵ متر مربع

• • ۲۴۵

• • بهومارا (هند) ۴۴۵

• • ۲۹۵

• • خیر خانه (کابل) ۵۴۰

ما میتوانیم که چندین معبد دیگر سبک کوتهارا نیز درین مقایسه داخل نمائیم بدون آنکه ابعاد و بزرگی آنها از ارقام فوق فرق زیادی بکند - مقایسات ما - طوریکه دیده شد - يك حجره را در بر میگردد ولی باید بحاطر گرفت که این قسم معابد سه حجره ئی در هندوستان کیاب نیست . چنانچه مستر برنجی در شروع اطلاعی که نسبت به معبد بهومارا نوشته ، از يك معبد سه حجره ئی دیگر سبک کوتهارا که بنام « دیو کونا » در ولایت « جاسو » نزدیک بهومارا کشف شده ، نیز ذکر نموده است (۱) مقایسه معبد خیر خانه و معبد بهومارا تنها به قسمت مهندسی محدود نبوده ، بلکه قسمت تصاویر و هیكل شناسی این دو بنا نیز نزدیکی عجیبی بیکدیگر دارد ، که پس از مطالعه مفصل کشفیات عمده کوتل خیر خانه یعنی دسته مجسمه های مرمر سفید که رب النوع آفتاب و صاحبین او را نشان می دهد ، بذکر آن می پردازیم :

رب النوع آفتاب بقسم اربو پائی نشسته یعنی پاهایش از همدگر دور می باشد . دستهایش که از حد مچ ها شکسته بالای رانهایش تکیه دارد ، پاهای و رانها اگر باتنه و کله مجسمه مقایسه کرده شود از اندازه طبیعی خیلی خورد تر بنظر می آید (۱) سر مجسمه به تنهایی پنج بک تمام بدن آنرا تشکیل میدهد که تناسب بسیار غلطی را ارائه میکند (قاعده هیکل تراشی پولی کلت ۱ بر ۷ و قاعده هیکل تراشی ایزیب ۱ بر ۸) و کاملاً شبیه حالت مجسمه « بودای معجزه کیر پیتاو » (سمت شمال کابل است) که سابقاً در وقت مطالعه من بور این حقیقت را تذکار نموده ایم (حفريات سال ۱۹۲۴) (۲)

چهره رب النوع آفتاب جزئیات مخصوصی را بنظر جلوه می دهد . اختلافیکه در حلقه و چشمها یعنی اسلخوان زیر ابرو و جود داشته ، و حلقه من بور مایلی غیر طبیعی دارا میباشد ، پدشانی مجسمه را که از بالا بطرف پائین برجسته گی دارد ، شکل مثلث نمائی بخشیده است . (تصویر ۲۰ - ۱۶) .

چشمان مجسمه که برآمده و همسطح سرواز هم خیلی دور واقع شده کاملاً با چشم « بادامی » مطابقت میکند . بینی خمیدگی خفیفی دارد . دهن کشاد و خوش ساخت میباشد . زنج مربع و خیلی برجسته بنظر میرسد (تصویر ۲۱ - ۱۶) . موها دراز و بواسطه يك خط وسطی بدو قسمت تقسیم شده و مرکب از صف صف زنگوله های مجعد کوتاهی است که به بسیار دقت طبقه بندی شده و زنگوله های روی هم ریخته قسمت بزرگ گوشها را مخفی نموده و فقط کنار گوش مکشوف میباشد که

(۱) بالاته و کله ۱۲۲.۰ متر ، تناسر ۴۸.۰ متر ، سرین ۵۳.۰ متر پایها ۷۴.۰ متر بلندی مصاحب دست راست ۱۲.۰ متر - بلندی مصاحب دست چپ ۱۰.۵ متر - بلندی مجموعی ۴۳.۰ متر .

(۲) کتاب « عملیات هیئت عتیقه شناسی فرانسوی در افغانستان » طبع توکیو ۱۹۳۳ صفحه ۱۷ تالیف ژ - ها کن .

J. Hackin. L'oeuvre de la Délégation Archéologique française en Afghanistan, Tokio 1933

مزین با تزئینات سنگینی بنظر جلوه میکند . تاج رب النوع آفتاب پوشیده از يك فینه است که قسمتی از آن مزین بامیخها یا کنده های مطالای مستطیل شکل بود . میخهای مزبور بوسیله پارچه های باریک تیغ مانند فلزی از هم جدا شده است ، هر دو طرف سر ، در نقطه که تزئینات میخهای مطالا ختم میشود ، فینه مزبور دو گره بزرگ تشکیل داده و در عقب سر بشکل سر پیچ تبدیل یافته و هر دو انتهای آن بمهارت تمام زیر حصه سر پیچ مزبور دور داده شده گرهی را بوجود آورده و بطور عمودی بسمت پشت مجسمه افتاده است که در آنجا بواسطه چند چین خفیف تشخیص داده میشود (تصویر ۱۹ و ۱۵) . تاج مزبور مرکب از مثلث يك مثلثا نیست که بعد از هر گل سدره (بر) نیم شده تمهید شده که پنج برگ آن بچشم دیده میشود . يك سلسله تزئینات مروارید که بشکل قوس های كوچك ساخته شده ، اجزای مركبه تاج را احاطه کرده است . بالاتنه بزرگ این مجسمه ، ملبس به يك یلان (۱) بی یخه است که گردن آن را نبوشانیده - قسمت کلی حصه تختانی یلان مزبور بواسطه افتادگی شالیکه روی بازوی مربی آفتاب افتاده ، مخفی شده است . باو در پایین ، کناره یلان که عبارت از يك رشته مروارید است بچشم دیده میشود . در واقع برش این یلان باطرز برش لباس مصاحبین دو گانه که بدو طرف رب النوع آفتاب قرار دادند ، یکی بوده تنها قسمت تختانی آن ممتاز است که از روی آن مابین یلان رب النوع آفتاب و مصاحبین او فرق میتوان کرد . زیورات عبارت است از يك گلو بند مرکب از مروارید های درشت که در زیر آن يك حصه آویزه وجود داشته دو زنجیر از آن امتداد یافته و در نوک زنجیر ها يك تبرك آویخته است . کنده ها یا میخهای طلائی بزرگ مستطیل شکل که روی نگین دان متحرکی (که قابل قات شدن) نصب شده ، عموداً واقع و به کمر بند وصل یافته و دور دایف مروارید بهر دو حاشیه کنده های طلائی مزبور نصب گردیده است و بالاخره

(۱) اینکه یلان میگوئیم مثل یلان امروز نه بلکه پیراهن در از پیش بسته بوده که روحانیون

قدیم می پوشیده اند . (مترجم)

حاشیه مر وارید یکہ نوک آستین یلان را زینت بخشیده ، و دوبازو بند سنگین ، زیورات مجلل رب النوع آفتاب را تکمیل نموده است . کمر بند کہ مزین بہ میخ های طلائی است در خالی گاہ کمر جای دارد و نوکهای مد ورو خمیده آن در یک حلقہ بہم وصل شدہ . شال چنانکہ گفتیم ، روی تولہ های دست افتادہ و دامن یلان را مخفی ساخته است . پاپوشهای مجسمہ مربی آفتاب پاپوشهای امر وزہ اوز بکها و اتراک آسیای وسطی را بخاطر خطور میدہد . پاپوش مزبور عبارت ازدو پاپوشی است کہ یکی درین دیکری جای دارد . پاپوش داخلی یا موزہ از چرم نازک و بی کبری بودہ ، عیناً بمثل موزہ مسیح مروجہ امروز ، در پاپوش خارجی دیگری کہ کلفت تر میدود داخل میشد و این پاپوش خارجی را در وقت داخل شدن در میان عمارات از پای خود میکشیدند . در مجسمہ کہ تحت نظر ما است ، پاپوش داخلی یا موزہ بواسطہ یک بند میان خلی بر پشت پای محکم شدہ کہ بند مزبور ذریعہ یک حلقہ کندہ دار بہم وصل و نوکهای آن بہ طرف پاپوش خارجی آویخته است . باید یاد داشت گرفت کہ یک ردیف مر وارید ، قسمت فوقانی پاپوش داخلی را احاطہ کرد و همین تزئینات بشکل عمودی در قسمت وسطی پشت موزہ کہ روی استخوان تولہ پای قرار دارد ، نیز ادامہ یافته و تا نوک پنجه ہا رسیدہ است .

ہر دو مصاحب (۱) بہ یک وضعیت مخصوصی ایستادہ اند (تصویر ۱۵) قسمت تحتانی جسم آنها در حد کمر کجی واضحی را نشان میدہند کہ انسیب تمایل مجسمہ های مذکور میباشد یعنی مصاحب طرف راست ، بسمت راست و مصاحب طرف چپ بجناب چپ خم شدہ اند . وزن جسم آنقدر بشدت بالای پای سمت خمیدگی افتادہ کہ خمیدہ گی معاونین مزبور زیادہ از اندازہ لزوم بنظر رسیدہ حتی سرهای شان نیز بشدت خم گشتہ است . برای فہمیدن مقایسہ هائی کہ ذیلًا بعمل خواهد آمد ، باید ہمین وضعیت خمیدگی مخصوص معاونین موصوف را بخاطر گرفت .

معاون طرف راست موهای غلو دارد ، قیلہ های با قاعدہ ریشش با ترتیب وانتظام

(۱) بلندی مصاحب دست راست ۱۲ ر . متر و بلندی مصاحب دست چپ ۱۰۵ ر . متر .

موی سر بیشتر شباهت میرساند ، در کند هارا (صفحات شرقی افغانستان تا شمال غرب هند) و آسیای مرکزی ، چنین هیا کل و تصاویر اشخاص وحشی برونی وریش دار شبیه این نمونه خیلی فراوان است . در آسیای مرکزی قبیله های ریش را مطابق تزئیناتی می ساختند که اصلاً بوضوح از آن نمونه کند هاری تحریف شده بود که قبیله های آن خیلی کم زیر قاعده آمده بود (۱) یعنی مصاحب منور کوپان دار و چشمانش بزرگ اما نسبت به چشمان رب النوع آفتاب ، کمتر از حدقه بر آمده بنظر می آید ، گوشواره های او ، مدور شکل و بایک ردیف مروارید حاشیه داده شده است . کلاه مخروطی شکلی بر سر دارد که پارچه دیگری در قسمت عقب آن امتداد یافته و برای پوشاندن پشت سر میباشد . برش مخصوص کلاه و کناره مروارید دوزی آن ، به فیتۀ تاج رب النوع آفتاب شباهت زیاد میرساند ، بالا پوش کوچکی برشانه دارد که نوکهای آن بواسطه حلقه برسینه اش وصل است . بازوی راستش بهوا بلند و در دست خود که انگشتان آن قات شده ، یک قسم چوب کوچکی را محکم گرفته که قسمت نوک آن از لب تراش یافته و در کف دستش چسبیده بنظر می رسد . دست چپ بطرف سینه برشته و دران یک برگ مستطیل شکل دیده میشود . این شخص شلوار و موزه های ساده و بی زینتی را در بر دارد .

معاون طرف چپ ، ریش ندارد و موهای مجعد او شبیه موی سر رب النوع آفتاب میباشد ، کلاهش عبارت از یک کلاه گوش پوشک است که دودانه گل سدره (بر) تزئینات آن را تشکیل داده لباس این شخص بالباس مصاحب دست راست شباهت واضحی بهم میرساند . دست چپ او بر سپری تکیه دارد که حصه فوقانی آن مدور و حاوی زینتی است بشکل مربعات پست و بلند . در دست راست خود ، پاره کوتاهی را محکم

(۱) کتاب را پورت ابتدائی « هیئت اعزامی روس در ترکستان » اولدنبورگ طبع

سن پترزبورگ ۱۹۱۴ صفحه ۱۰ شکل ۸ و ۹ .

گرفته که آهن خنجری نوک آن بالای يك تاوۀ مدور تزئینی استوار شده و این تاوۀ مدور مزین بار گهائی است که آن را بشکل برگ جلوه میدهد .

این سه شخص (رب النوع آفتاب و هر دو مصاحب یا معاون او) بر يك صفۀ قرار گرفته اند که مزین است با سه خطیکه ذریعۀ سه رد . (فرو رفته گی مستقیم) از هم جدا شده ، در حصۀ وسطی آن يك فرو رفتگی خفیفی احداث شده که طول آن (۴ ر) متر و عمقش (۱ ر) متر میباشد . درین فرو رفته گی سر يك شخص دیگری قرار گرفته که چهرۀ ساده و بی مودارد و از طرف مقابل نشان داده شده است . این شخص يك قسم کلاه دستار مانند بر سر داشته تنها حصۀ بالای سینه اش که برهنه است و بنظر می رسد و چنان می نماید که گویا از حصۀ پیش روی يك گادی که بشکل منحرف نقش شده ، ظاهر شده باشد . شخص موصوف (۱) شلاقی را بهوا بلند کرده و در دست چپش که مقابل تنۀ او قرار دارد ، جلو هائی را محکم گرفته که يك جور است به آن مربوط بوده . اسپهای مذکور در حال افتار بقسم نیم رخ بدو طرف را نندۀ نشان داده شده است . در اینجا باید دانست که سرها و پاهای پیش اسپها بطرف کنج بنامتائل بوده (تصویر ۱۸ ، ۱۵) گویا هیکل تراش خواسته است که از قسمت های زود شکن احتراز نموده باشد . قابل دقت اینست که اسپها رین زده شده اما در کلهای بسته نداشتند زین مرکب است از يك نشیمن گاه چوبی (؟) بار و پوش چرمی که تزئیات مربع داشته باطراف آن مربعات کوچک کوچی وجود دارد و این زین روی يك عرق گیر (نمدی) قرار داده شد که مزین به يك ردیف مروارید (اسپ طرف راست) و کنده های مستطیل نمائی است که در نوک های آن ها پارچه های الماس نصب کرده اند (اسپ طرف چپ) . زین بوسیله يك شکم بند

(۱) قرار اساطیر بودائی گادی وان رب النوع آفتاب که « آرونا » نام و برادر « کارودا » میباشد باثر ولادت يك پسریش از وقت ، مورد تویخ با دار خود واقع و پاهایش بریده شده . بود هیکل آرونا طوریکه درین بنای کوتل خیر خانه نشان داده شده بسیار طبیعی معلوم میشود و چنان مینماید که پاهای را نندۀ بواسطۀ پیش بر آمدگی گادی مخفی شده است .

(تنک) که تزیینات مربع دارد بر پشت اسب محکم و ذریعۀ سینه بندودم چپ جا بجا شده است جلو (عنان) (۱) بوسیله يك دسته موی یال زینت یافته - یال ها بدقت تمام بریده شده مابین ساغری اسبها يك جسم هشت رخ بشا هده میرسد که مقصود آن فهمیده نمیشود اگر بگوئیم شکل منحرف گادی يك چرخه (۲) باشد ، آنهم چندان مقرون بقیاس بنظر نمی آید :



(شکل الف)

فصل دوم

اینک از معرفی و تشریح بنای سنگی مکشوفه ار کوتل خیرخانه فارغ شده ، فرصت داریم - که از روی يك سلسله مقایسات اجزا و عناصر بنای مزبور تاریخ آن را بخود

(۱) جلو مزبور ، عبارت از تناب معمولی نه بلکه يك لگام مکمل است .

(۲) فصل ۱۲۵ کتاب « مستیا پورانا » طرف آخر ۳۸ روایت « نالینی کانتا بها تا سالی

ایم - آ » کتاب « تصویر شناسی حجاری های بودائی و براهمانی در موزیم د که » طبع د که

۱۹۲۹ صفحه ۱۶۱ - ۱۶۲ و نیز دیده شود کتاب « غارهای سوان هوانک » تالیف « یول پلبو »

تصویر ۱۵۶ (تصویر يك گادی رب النوع آفتاب که يك چرخ دارد .)

1 - Mastya-Purana, cité par Nalina Kanta Bhattacharya M.A: Iconography Buddhist and Brahmanical Sculptures in the Decca Museum

2 P. Pelliot, Les grottes de Touen-Houang.

معلوم نمائیم . اولتر از همه باید تذکار کنیم که طرز لباس رب النوع آفتاب برای ما مجهول نه بلکه از یک قسم معروف است . زیرا حجاریهای طاق بستان (در خاک ایران) که سه تن از سلاطین ساسانی یعنی شاهپور دوم (۳۰۹ - ۳۷۹ میلادی) اردشیر دوم (۳۷۹ - ۳۸۶ میلادی) و شاهپور سوم (۳۸۳ - ۳۸۸ میلادی) را نمایش می دهد سلاطین مزبور هم همین قسم لباس در بردارند . شاهپور دوم و شاهپور سوم در یک بنای واحد پهلوی هم نمایش داده شده اند (شکل الف) . اردشیر دوم روی یک سنگ در حضور ارمزد رب النوع میترا (۱) بطور برجسته نقش شده که دران حال ارمزد برای شاه موصوف اراستی و املاک بخشش می دهد . پرویسر هر ز فلد مینویسد که « لباس این اشخاص لباس قرن سوم نیست : رخت درازی تا زانو پائین آمده اما بطرف راست و چپ بلند پریده طوریکه به پیش دامن مدوری شباهت بهم می رساند » .

پرویسر هر ز فلد علاوه میکند که لباس طبیعی دوره دوم ساسانی همین لباس فوق بوده است . (۲) ما از طرف خود تصور نمیکنیم که یلان دراز مزبور از طرف راست و چپ بالا پریده باشد . هر گاه به بنای مکشوفه ار کوئل خیرخانه که از روی آن بیش از هر قسم نقوش برجسته سنگی ، به آسانی جزئیات لباس را میتوان مشاهده کرد ، متوجه شویم ، ملاحظه خواهیم کرد که یلان به چنان شکل مخصوصی پریده شده است که حرکات سوار و پیاده هر دو دران بکمال سهولت انجام پذیر می باشد . چنان معلوم می شود که استعمال این قسم لباس به عهد سلطنت شاهپور دوم ، اردشیر دوم

(۱) کتاب « در آستانه آسیا » تألیف پرویسر هرزفلد طبع برلین ۱۹۲۰ تصویر ۲۹ و ۳۲ مقاله هرزفلد در « مجله صنایع آسیائی » جلد سوم صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹ و تصویر ۴۵ و کتاب « هفتمین سلطنت شرقی » تألیف جی - راولنسن صفحه ۲۶۱ ..

(۲) « مجله صنایع آسیائی » از قلم هرزفلد - جلد سوم صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹ :

1- Pr. Herzfeld-Am tor von asien.

Pr. Herzfeld (Revue des arts asiatiques).

G. Rawlinson, The seventh oriental monarchy.

2 - op. cit

و شاهپور سوم محدود بوده است (۱) (شکل دوم) در شکل منبور مشاهده میتوان کرد، که آستین یلان سلاطین موصوف بایک ردیف مروارید حاشیه داده شده. علاوه برین در سر و بر سلاطین موصوف بسا زیورات دیگر به مشاهده میرسد: یک کلو بند مروارید و بند های زیاد منین با میخهایی که بکمر بند کشادی مربوط شده و کمر بند منبور از کمر بندك کوچک دیگری بوضوح تشخیص داده می شود. رب النوع آفتاب که از کوتل خیرخانه کشف شده؛ فقط یک کمر بند دارد. بطوریکه بند های منین بر میخها یا کلاه هاخیلی پائین تقرار گرفته اما اساس بند و بست کمر بند یکی است. موزه خانه «ارمنی» لیتنگراد، بسا اسناد مقایسه بدست ما میدهد (۲): در موزه خانه منبور دو ظرف نقره ای وجود دارد که نمونه های زرگری ساسانی بشمار رفته بر این ظروف صحنه های شکار بکمال دقت نقش شده است. در یکی از این صحنه ها شخص شخیصیکه بدن پانگی را بواسطه خنجر خود شکاف کرده (شکل ب) و یا گور خری را اسیر گرفته شاهپور سوم (۳۸۳ - ۳۸۸ مسیحی) میباشد. شاه موصوف لباس دامن گردی در بر دارد. آنچه قابل ملاحظه میباشد اینست که دامن مدور لباسش رایک ردیف مروارید حاشیه داده است (مثل لباس رب النوع آفتاب) که مشوه از کوتل خیرخانه (تصویر ۱۴). همین قسم تزئینات در نوک آستین ها و حصه وسطی پلی ارنوک پنجه تا

(۱) بر یکی از ظروف موزه ارمنی لیتنگراد، خسرو نوشیروان (شکل ز) در حال سکون پرفراز تختی که اسبهای بالدار آن را برداشته است، نشان داده شده و دربار یانش اطراف او ایستاده و خود شاه پیش دامنی دراز رخ تری در بر دارد. کتاب «زرگری ساسانی اشیای طلا و نقره و رنج» نالیف ژ - اور بلی و - س - تری و - طبع لیتنگراد ۱۹۳۵ تصویر ۱۳.

3 - J. Orbeli-et-C-Trever: Orfèvreries Sassanide, objets en or argent et bronze. (Academia)

(۲) کتاب زرگری ساسانی... تالیف ژ - اور بلی و - سنی - تری و (قبل الذکر) تصویر ۷ و ۸.

آخر ران (۱) وجود دارد (۲) (شکل ب) . يك وسیله دیگر برای مقایسه در دست است که تاکنون از آن استمداد ننموده ایم و آن طرز ساختن کلاه میباشد . کلاهیکه



(شکل ب)

(۱) همین قسم تزیینات بر يك تکه مجسمه موجوده در «موزه خانه آثار عتیقه شرق قدیم» استانبول نیز بباشد میرسد (پای و حصه ران راست مجسمه) که این مجسمه در حقیقت يك شاهزاده سیاهی عنش آثوری را نشان میدهد (تقریباً قرن سوم میلادی) . در آثار قدیمه یالمر (سوریه) رشته کناره دوزی شده عمودی که در حصه وسطی شلوار از بالا تا پایین امتداد یافته ، اکثراً با مرواریدهای فراوان مزین میباشد که شلوار دو پادشاه مغ اولیکه روی یکی از خاتم کاریهای «سان آیولی نیارنیوو» بمقام «راون» (ایتالیا) نقش یافته ، نیز همین قسم تزیین شده است و هم باید برش عجیب حصه تختانی یلان را بیاد داشت گرفت کتاب Hausenstein: Kunstgeschichte تألیف «هوسنستن» صفحه ۸۳ . (۲) «رساله سکه شناسی شرقی» تألیف ژ . مورگان حصه دوم صفحه ۳۱۵ - «رساله مسکوکات یونانی و رومی» اثر بابلون که ژ . مورگان بحصه سوم آن تحت عنوان «مسکوکات شرقی» مضمونی نوشته جلد اول حصه سوم ، تصویر ۵۹ .

J. de Morgan: Manuel des numismatiques orientales



رب النوع آفتاب مکشوفه از کوتل خیر خاه (از روی قلاب گیری موزه کبمه پاریس)



سور یا، رب النوع آفتاب از سنگ خاراى ماشورا (کلهکسیون ای - ژاوال)

بر سر شاهپور سوم است ، از کلاه هائی که اسلاف و اخلافش میپوشیده و در حقیقت باهم دیگر فقط بواسطه بعضی جزئیات ساختنی تفاوت داشت ، کاملاً فرق دارد (شکل ج) . کلاه موصوف عبارت از تاج همواری است که حاشیه آن با گلشای کوچک کوچکی زینت یافته (۱) . پروفیسر هرزفلد تاج مزبور را رسم کرده (۲) که اینک ما در اینجا عین همان رسم را نقل میکنیم (شکل ج) . گداهای کناره کلاه دارای پنج برک است که در میان قوسها ترسم یافته است . تاج رب النوع آفتاب که از کوتل خبر خانه بدست آمده نیز مزین با گداهای پنج برگی میباشد و همچنین بسا تزیینات تاج هر دوشی که موضوع مقایسه ما است بهم نزدیکی میرساند . تاجهای مذکور یعنی تاج شاه



(شکل ج)

(مکشوفه از طاقستان) و تاج رب النوع آفتاب (مکشوفه از کوتل خبر خانه) تنها از رهگذر تزیینات خود باهم مشابه نیست بلکه از روی شکل نیز خیلی نزدیک هم معلوم میشوند . تنها تاج رب النوع آفتاب از تاج شاه ساسانی قدری خورد تر میباشد . مقایساتیکه به نسبت لباس و کلاه آثار مکشوفه نمودیم . چنان نکتاتی را بدست داده که از روی آن

تاریخ آثار مزبور خیلی بهم نزدیک معلوم میشود . ما میدانیم که لباس دامن گرد در عهد سلطنت شاهپور دوم اردشیر دوم و شاهپور سوم یعنی از ۳۰۹ تا ۳۸۸ میلادی مروج

(۱) کتاب Am tor von Asien اثر پرو فیسر هرزفلد صفحه ۶۱ شکل ۱۴

(۲) ملاحظه حاشیه نمره (۲) در صفحه ۱۲ همین کتاب .

تاج مدور گلدار مخصوص شاهپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ میلادی) بوده است .
 بیفائده نخواهد بود اگر تذکر بدھیم که مسکوکات شاهپور دوم و اخلاف او
 خصوصاً در منطقه کابل بکثرت یافت میشود در اینجا باید تذکار نمود که ذخیره مسکوکات
 نقرئی که بواسطه موسیو (ژان کارل در ضمن حفريات « تپه مرنجان » (۱۹۳۳)
 (در دو کیلومتری شرق کابل) کشف شده مشتمل است بر مسکوکات عهد شاهپور دوم
 (۳۳۸ قطعه) وارد شیر دوم (۱۴ قطعه) و شاهپور سوم (۲ قطعه) . این سه پادشاه
 بلاواسطه پیش از هجوم تیاہ کشته مجار های سفید یعنی قرن پنجم عهده مسیحی) در ایران
 سلطنت کرده اند .

فصل سوم

در شروع این کتاب وقتی که نسبت به شخص عمده وسطی مجسمه سه نفری مکشوفه
 از کوتل خیر خانه تشریحات دادیم ، اشاره مختصری بسوی مقام عظمت او که منسوب
 به آفتاب است ، نمودیم . اکنون باید درین باره تفصیلات لازم را داده ، ادعای خویش را
 باثبات برسانیم . اثبات این ادعا بقدری آسان و ساده است که بجز انرا نه شهادت صریح
 و واضح کتب معتبره و تقویه آن بواسطه آثار مکشوفه شناخته شده ، دیگر کار و زحمتی
 لازم نمیشد . بنا بران اینک باز امداد متقابلیکه همیشه کتب و ابنیه برای یکدیگر خود
 تهیه میکنند ، بطرفداری ما وارد بحث میشود .

کتب مهمه مذهبی هند از قبیل « امسوهی دا گاما » (۱) و « برهات سامهی تا » بطور

(۱) کتاب « عناصر تصویر شناسی هند و » اثر گوپی ناتارائو - جلد اول حصه دوم

صفحه ۳۰۶ - ۳۰۷ . Gopinata Rao: Elements of Hindu Iconography

متفق عليه تذکر میدهند که « رب النوع آفتاب لباسی مطابق رسم و رواج شمال هند در بر کرده دودانه گل سدره (پیر) را بدستهای خود میگرفت » - کتاب « امسوهی داگاما » (۱) تذکر می دهد که « دستهای باستی طوری باند میبود که میچای آن که حامل گاهای سدره بود ، محاذی شانه هایش واقع میشد » (۲) و وضعیت نوك دستهای شخص وسطی مجسمه سه نفری کوتل خير خانه (که اکنون از حد بند های دست شکسته) نشان می دهد که در سابق عیناً همان وضعیت مشروطه کتب قدیمه فوق را داشته است .

تشریحاتی که در کتب فوق الذکر راجع به مصاحبین رب النوع آفتاب قید شده ، از بس واضح و دقیق است ، معرفی شخص وسطی یعنی رب النوع آفتاب را تصدیق مینماید برای این مقصد يك قسمت از تفصیلات مشخص کتاب « متسیاپورانا » را ملا حظہ مینمائیم (۳) :-

« بطرف راست سیور یا (رب النوع آفتاب) باید چهره خوشنمای (دندا) و بطرف چپ صورت تیره رنگ (پنگالا) نمایش داده شود . و هر دو نفر مطابق رسم و رواج شمال هند ملبوس و پنگالا يك برک خرما و يك نی قلم را در دست خود گرفته باشد » - کتاب « بهاویز یا پورانا » هم تفصیلاتی چند نسبت به مصاحبین رب النوع آفتاب داده است :- « اس و بی دی و اتا » ها (یعنی مصاحبین نیز در دو طرف سیور یا) یعنی رب النوع آفتاب (نمایش داده شده میتواند و یا بطرف راست (سیور یا) (پنگالا) بسمت چپ او ، (دندا) را میتوان دید که در دست اول الذکر يك دوات و يك قلم نی و در دست

(۱) رب النوع آفتاب که در نزد « ای ژاوال » وجود دارد (مدرسه میتهورا) يك تصویر بسیار عالی را ارائه میکند که تشریحات فوق الذکر را زنده و مجسم میسازد (تصویر ۲۴) مازموسیوای ژاوال که اجازه داده اند ، تصویر این آبدۀ نشر ناشده شان را در اینجا نشر نمائیم صمیمانه اظهار تشکر میکنیم . « ژ - ها کن »

(۲) مجموعه « وانگا واشی » صفحه - ۱۷۵ . Edition Vangavasi

(۳) کتاب « عناصر تصویر شناسی هندو » اثر گوپی ناتھاراتو - جلد اول

۳۰۶ - ۳۰۹ - ترجمه انگلیسی کتاب « متسیاپورانا » در رساله « کتب مقدس هندو »

نشر شده است . جلد ۱۷ Sacred Books of the Hindus



ثانی الذکر یک دنده (چوب کوتاه و کلفت) میباشد. ارباب انواع موث «راجنی» و «نیکسوها» نیز باید بد و طرف سیور یا قرار داشته باشند. پس هر دو نفر یک در کتب قدیم بنام پنگالا، دندایاد شده اند، یکی بشکل منشی و دیگر بشکل مرد جنگی معلوم میشوند.



شکل (د)

در باره پنگالا گفته شده که ممکن ریش دار باشد (۱) واقعاً همین شخص

(۱) بعضاً پنگالا بشکل (و پداهنا) یعنی پراهمانایش داده شده (متسایپورانا فصل ۱۴۰) این تفصیلات بواسطه تشریحاتی که در کتاب «بهاویژ یا پورا» درج است، نیز تأیید شده و متن تشریحات منور قرار ذیل است. « منهای برهن پیروسیور یا، عادت ریش ماندن را دارند زیرا پراهمانها که برگادی آفتاب نشان داده شده و خود رب النوع هر دو ریش دار میباشد » کتاب « تصویر شناسی حنجرهای بودائی و پراهمانی موزیم » که « دکه ۱۹۲۹ صفحه ۱۶۴ تالیف نالینی کانتانها تاسالی.

در مجسمه کوتل خیرخانه ریش دار نشان داده شده (شکل ۱۴) گاهی شخص منبرور را رب النوع (آگنی) گفته اند زیرا او هم ریش دار و قدری شکم بزرگ بوده است . (دندا) را بسبب وضعیت سپاهی مانندش ، اغلباً (سکاندا) رئیس فوج مذهبی تصور کرده اند . اما بطور قطع این تصورات پسان تر بوجود آمده است . وانگهی ما میتوانیم که در موقع جستجوی منشأ و مبدأ مصاحبین رب النوع آفتاب ، بار دیگر باین موضوع برگشته آن را مطالعه نماییم .

هر گاه به سوی ابنیه تصویری ، متوجه شویم ملاحظه مینمائیم که یکی از قدیمترین مجسمه های رب النوع آفتاب هند ، روی پایه کتاره بدیه گایا (۱)

(۱) پایه ۶۴ متعلق به هیئت کلی خانواده « سنکا » بوده است (قرن اول قبل از میلاد) که در کتاره منبرور جا داشته است ملاحظه شود کتاب « حجاری بدیه گایا متعلق کلکسیون آرس آسیاتیکا ۱۸ ، ۱۹۳۵ صفحه ۴۴ » تصویر ۳۴ La Sculpture de Budhgaya , Ars Asiatica رب النوع آفتاب بهاجا (۳۷) کیلومتر بجنوب شرق بمبئی (برکادی نشسته که چهار اسپ آن را کش میکند دو نفر زن بالای سرش ایستاده که یکی چتری و دیگری چوری (مگس پران) را در دست دارد . آنکه کتاره را بر داشته دیوی است که از قرار معلوم (راهو) میباشد . در غار (اناگتا گفا) نزدیک (خاندان ژیری) در ولایت اوریسه (هند) در سردروازه در آمده ، رب النوع آفتاب نمایش داده شده که « زیر چتری نشسته و عراده را که چهار اسپ کش میکند ، میراند . با طرافش ، هر دو زنش (سمجنا) و (شهایا) قرار گرفته اند . اول الذکر بطرف راست و ثانی الذکر بطرف چپ . سمت چپ شهایا (سایه) هلالی وجود دارد که بالای آن ستاره گمان دیده میشود . و بطرف راست سمجنا یک گل سدره خوش ساخت وجود دارد که یقیناً آفتاب را نمایش می دهد . در نوک زیرین طرف راست ، دیو چاقی موجود است که البته (راهو) میباشد و در دست راستش یک شرمجھول و در دست چپش یک ظرف جهنده را محکم گرفته (بیروان مذهب بودای عامل خسوف و کسوف همین دیورا می دانند) اسپها و دیو که بطرف راست واقع بودند ، مفقود شده اند ، از « فهرست ابنیه قدیم که بموجب ماده هفتم تاریخ ۱۹۰۴ در ولایت بهارو از ریشه حفظ شده شعبه عتیقه شناسی هندوستان ، سلسله جدید امپراطوری جلد ۵۱ کلکته ۱۹۳۱ صفحه ۲۷۳ از مولوی حمید قریشی . طوریکه دیده میشود هیچیکی از این ابنیه قدیم وجود پنگالا (منشی ریش دار) و دندا (مرد جنگی) را نشان نمیدهد .

1- Maulawi Mohammad Hamid Kuraishi A.A., list of ancient Monuments protected Under Act VII of 1904

نشان داده شده رب النوع و نورانی ، هاله دار ، زیر يك ساتا (چته) و برگادی سوار شده که بچهاراسپ بسته است . بطرف راست و چپ ، بالای گادی ، چندین نفر زن قرار گرفته که تصور میشود زنهای رب النوع مذکور باشند و این زنهای از کمانهای کشیده خود ، تیرهایی را پرتاب میکنند که بقسم شعاع جلو مینماید (۱) .

بمقام « ماتهورا » (۲) (قرن اول میلادی) رب النوع آفتاب تنها بر يك عماده که بچهاراسپ دو نده بسته است ، نمایش داده شده باید تذکر داد که دو اسپ پیش روی اسپهای عقب را تقریباً بکلی مخفی نموده و گویا مابین این وضعیت و وضعیتی که اسپها کاملاً از صحنه معدوم و پنهان شوند ، زیاده از يك قدم فاصله باقی نیست . از اینجا است که در يك طرف كوچك قرن دوم یا سوم عهد مسیحی ، که عبارت از قدح ادویه مطبوخ و از سنگ صابون آبی رنگ است (۳) فقط دو اسپ مشاهده میرسد و این ظرف در سال ۱۹۲۴ بواسطه پروفسر هرزفلد کشف شده (نزدیک جلال آباد) (تصویر ۳۱ ، ۲۳) رب النوع آفتاب و گادی و اسپهای آن که درین قدح نقش شده ، نقش مذکور بسیار تقریبی بوده ، جزئیات قطعاً نشان داده نشده است .

(۱) کتاب سابق الذکر تألیف ۱ - ک - کوهراس وینس صفحه ۴۴ .

(۲) کتاب « حجاری متهورا کلسکسیون آرس آسیاتیکا » تألیف ک - ووژل جلد ۱۵

پاریس ۱۹۳۰ تصویر ۳۸ الف . Ph. Vogel : La sculpture de Mathura ,
Ars Asiatica

(۳) کتاب E. Herzfeld : Die Sasanidischen Quadrigae Solis et Lunae archeologische Mitteilungen aus Iran

تألیف پروفسر هرزفلد ماه جولائی ۱۹۳۰ صفحه ۱۲۸-۱۴۱ این شی درجۀ اشیای موزه خانۀ کیمه فرانسه داخل شده است . دستۀ موزه خانۀ کلسکت (نمره ۵۸ G) که موسیو فوشه تحت عنوان 1- A. G. B. G صفحه ۲۰۶ شکل ۸۲ نشر کرده رب النوع مهتاب میباشد و شاخهای هلال بر است و چپ شانه ها بوضوح نمودار است .

موسیوف ، دوژل بك مجسمه دیگرى را نیز درین ردیف قرار داده كه شخص نشسته را نشان میدهد و این شخص يك خنجر بدست راست و بدست چپ يك شى را دارد كه گمان میرود يك پندك گل سدره باشد . لباسش كه عبارت از يك یلان كناره



شکل (۵)

دوزى شده و موزه هاى بزرگ است ، مجسمه هاى شاه كوشانه را بياد میدهد كه ما در ضمن همین تحقیقات خود ، تشریح نموده ایم . بر خلاف وضعیت او به وضعیت رب النوع آفتاب بیشتر شباهت دارد . درین مسئله هیچ جای شك و شبهه نیست كه نمونه رب النوع آفتاب ، كه در كتب تصویر شناسی پراهمانی دیده میشود ، از همین مجسمه هاى شاهان

تخریف شده است . (۱) در جمله این چهارشی ، که به آن اشاره کردیم سه تای آن رب النوع آفتاب را تنها نشان می دهد . فقط بر پایه ۶۴ بدھ گایا (قرن اول قبل از میلاد) دو تازن در حال کشیدن کمان نمایش داده شده است . بخاطر بگیریم که این دو مصاحبه از چنان يك عنصر تصویر شناسی نمایندگی میکنند که قدیمی و اصلاً هندی بوده و از روی تاریخ پیش از زمان پیدایش مصاحبین مردانه فوق الذکر بدو طرف رب النوع آفتاب ، می باشد (یعنی شخص ریش دار ، پنگالا ، و شخص جنگی ، دندا ،) همین دو زن تیر انداز ، در یکی از حجاری های نیم بر جسته عصر ، کوپتا ، (۴ قرن قبل از میلاد) که از مقام ، گار ه و ا ، (۲) کشف شده نیز مشاهده می رسد . اما در قریه بهو مارا (قرن ۵ و ۶ بعد از میلاد) (۳) زنان تیر انداز وجود نداشته بعوض در دو طرف رب النوع آفتاب پنگالا و دندا دیده می شود رب النوع آفتاب ایستاده و اطراف سرش را هاله نور احاطه کرده ، کلاه لوله شکل لشم و بلندی بر سرویلان درازی در بر دارد که در حد کمر بوا سطه کمر بندی تنگ بر بدنش چسبیده است . طرز برش لباس بهیچوجه شباهتی بیلان های رب النوع آفتاب مکشوفه از کوتل خیرخانه و مصاحبین او بهم نمی رساند (شکل و تصویر ۱۴) . در آثار بهو مارا

(۱) کتاب سابق الذکر تالیف ف - و وژل تصویر ب ۲۲

(۲) کتاب « حجاری عصر گوپتای هندی V. A. Smith: Indian sculpture of the Gupta Period , Ostasiatische Zeitschrift

تالیف وی - ۱ - سمت سوم . صفحه ۱۳ تصویر ۷ و - کتاب « تصویرشناسی سیوریا رب النوع آفتاب و کاند را رب النوع مهتاب در هند ، آسمان و زمین » تالیف کومباز چاپ پاریس ۱۹۳۴ صفحه ۶

G. Combaz: Iconographie de Surya , dieu solaire. چاپ مخصوص et de Candra dieu lunaire , dans l'Inde , Ciel et Terre

(۲) دیده شود تشریحاتی که راجع به معبد بهو مارا داده شده صفحه ۶ همین کتاب - و نیز

ملاحظه شود کتاب « معبد سیوا در بهو مارا - یادداشت های هیئت عتیقه شناسی هندوستان » تالیف آ - دی - بترجی نمره ۱۶ صفحه ۴ و ما بعد .

که اکنون تحت مطالعه ما میباشد ، کنار های زیرین یلان طوری بالا زده شده . که يك فرورفتگی واضحی را بوجود آورده است (۱) يك بشقاب نقره که در موزه خانه ارمیتاژ



(شکل ۱)

لینگراد وجود دارد (۲) دارای تزئینات برجسته است که خسر و نوشیروان (۵۳۱ - ۵۷۸ میلادی)

را در وسط دربارانش نشان می دهد . این بشقاب تاریخی نیز از رهگذر دقایق لباس که در آن بکمال خوبی نشان داده شده است ، عناصر قیمت داری برای مقایسه بدست می دهد . شخص شاه که بر تخت بنشسته

یلان پیش دامنی مانند دراز رحی در بردارد . و دربارانش باچنان یلان کشالی مابس میباشد که یلان رب النوع آفتاب مکشوفه از معبد هومارا و صاحبین رب النوع موصوف را بخاطر می آورد . یلان های درباریان ۲ نوشیروان مزین با کنارۀ فیه ئی

است که شکل مخصوص طرح شده (شکل ۲) مربی آفتاب هومارا و صاحبین او ، موزه هائی بریای خود دارند که چین های افقی بران افتاده و همین چین های موزه در یکی از محسمه های مرمری مکشوفه از کوتل خیرخانه نیز بملاحظه میرسد (شکل ۱۲) صاحب طرف چپ رب النوع آفتاب هومارا (دندا) کلاه نوك تیزی برسر دارد که در عقب آن يك قسمت که

(۱) راجع به این یلان که حاشیه زیرین آن قوسی میباشد کتاب موسیو فوشه G.B.G.A.

شکل ۳۴۶ - ۳۵۳ و غیره ملاحظه شود ، (۲) کتاب سابق الذکر تألیف اوربلی وتری ورنسور ۴۳ -

حصهٔ پس سر را می پوشاند نیزموجود است. در دست راستش يك نيزه و آرنج چپ خود را بر يك سپر تکیه داده (شکل ه) وضعیت این شخص در عین حالیکه کمتر اجباری و ساختگی معلوم میشود، باز هم خیلی نزدیک به وضعیت خمیدهٔ رب النوع آفتاب کوتل خیر خانه، میباشد (مقایسه شود شکل ه و شکل و) اعضای مصاحب طرف راست، دسته مجسمه های هومارا



(شکل ز)

شکسته معلوم میشود، اما تا جائیکه از وضعیت دست و پولهٔ دست آن حدس میتوان زد گویا شخص مذکور مثل مصاحب دست راست رب النوع آفتاب، یکشوفه از کوتل خیر خانه یعنی بنگالای

ریش دار، بدست راست خویش يك قلم فی داشته است لباس و کلاه مصاحب راست رب النوع آفتاب
بهو ما را عیناً مثل لباس و کلاه مصاحب طرف چپ میباشد ، اما وضعیت شان کمی از یکدیگر
فوق دارد یعنی وزن جسم مصاحب دست چپ بهائند مصاحب دست راست بر همان پائنی



(شکل ح)

که بان طرف خم شده ، نیفتاده بلکه برخلاف مقررات قوانین موازنه تنه کاملاً بطرف
راست خم گردیده است . بهر حال - ما باید در نظر بگیریم که مجسمه بهو ما را باستانی
جزئیات لباس بوضوح با مجسمه کوتل خیر خانه شباهت دارد . وضعیت مصاحبین موصوف
وضعیت خمیده مصاحبین و النوع کوتل خیر خانه را بخاطر خطوط می دهد . اما شکل خیره

و محو شده . این ابنیه که از روی حالات خود - باهم خیلی نزدیک هستند - بایستی از روی تاریخ نیز از یکدیگر چندان دوری نداشته باشند . فوقاً دلائلیکه ما را وادار میسازد که بنای سنگی کوتل خیر خانه را مربوط به قرن پنجم عهده مسیح بدانیم - تذکار گردید . اکنون ابنیه بهو ما را میتوان از روی تاریخ قدری بعد تر و متعلق قرن ششم دانسته ایقان نمود که در بین این دو قسم ابنیه عمود زمان بعضی روابط پیدا شده خواهد بود . هرگاه تحقیقات مقایسوی خود را ادامه داده ، آثار تصویری بعدتری را نیز در مقایسات خویش مخیل بسازیم ، ملاحظه مینمائیم که این نمونه ساده مجسمه سه گانه رب النوع آفتاب و دو مصاحبه زنانه او یا رب النوع آفتاب و دو مصاحب مردانه آن ، پیچیده شده رفته ، خوانشی زیادی پیدا میکند . آنچه را اولتر از همه تذکر میدهم عبارت از آمیزش هر دو نمونه است .

الف) رب النوع آفتاب و دو مصاحبه زنانه (نمونه قدیمی بده گایا ، قرن اول قبل از میلاد) .

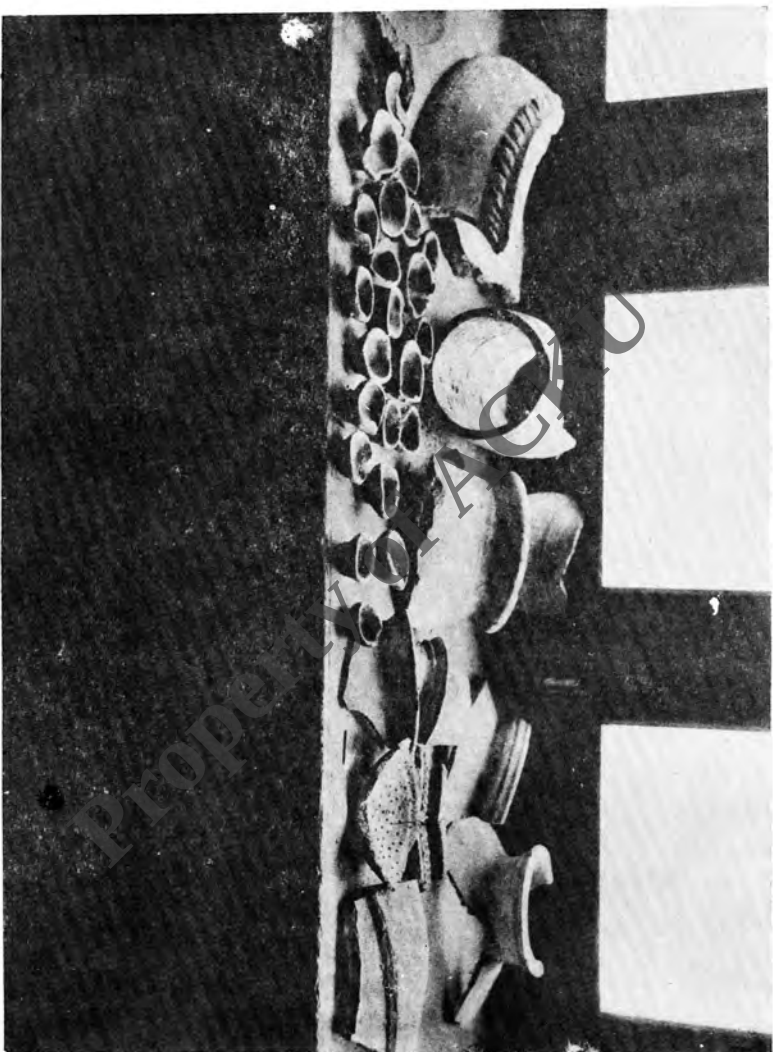
ب) رب النوع آفتاب و دو مصاحب مردانه (خیر خانه قرن پنجم مسیحی بهوما را قرن پنجم و ششم مسیحی) - يك مثال برجسته از اختلاط این دو نمونه دریکی از حجاریهای مکشوفه از ولایت شمبا (۱) (ریاست تابع کشمیر بشمال کانگره) بلا لحظه میرسد (تقریباً قرن هشتم مسیحی) (شکل ح) . وضعیت شخص عمد . یعنی رب النوع آفتاب که را نهایش بقسم فراخ قرار گرفته ، وضعیت مربی آفتاب کوتل خیرخانه را بوضوح بیاد میدهد . اما اطرافیان نسبت به اطرافیان رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه زیاد تر است . باوجود بکه اکثر اعضای این بنا شکسته است ، باز هم مصاحبه دست چپ (دندا) را میتوان تشخیص داد . یعنی

(۱) کتاب « تصاویر هندی » تألیف برن داوان ، سی - بهاتا گاریا طبع کلکته

Brindavan: C. Bhattacharya, Indian Images. وشله ۱۹۲۱ حصه اول تصویر ۱۰



١٤ - انعام دهنده (مرمر سفید)



۷۲ - چراغهای تیلی و تنگه های ظروف سفالی



شکل (ط)

ز نیکه کمان را بالای سر دندا در حالت پرواز کش میکند شبیه است با حصه راست بنا که خراب شده ، و شامل محلی بوده که پنگالا و ز نیکه بالای سرش کمان را کش کرده نیز در حال پرواز میبود ، دران وقوع داشته اند . (آرونا) را ننده گادی (۱) برادر (کارودا) ، که در بنای سنگی کوتل خیر خانه کمال و وضوح دیده میشود در بنای شمبا خیلی معیوب بنظر می رسد . در گادی رب النوع آفتاب هفت اسمی داشته است پس از این قرار بنای حجاری برجسته مکشوفه از ولایت شمبای هند . (مربوط بقرن ۸ میلادی) اختلاط واضح هر دو نمون یعنی رب النوع آفتاب بادو مصاحب مرد و رب النوع آفتاب بادو مصاحبه زن . را نشان میدهد و الحاقیه دو شخصیکه بالای سر پنگال و دندا بحال پرواز وجود دارد . اضافه میباشد . هر گاه ابنیه هیکل دار ادوار بعد تر را ملا حظہ کنیم . مثلاً يك لوح سنگ قرن ۱۱ مسیحی که بمقام ، را مبال ، کشف

(۱) کتاب د اشکال شناسی حجاریهای بودائی و بر اهمانی درموزه خانه دک تالیف نالین کاتابها تاسالی - چاپ دک ۱۹۲۹ تصویر ۶۱ .

واکنون دره فرنگی بازار (۱) گذاشته شده (شکل ۱) مشاهده خواهیم کرد که نمونه مذکور کاملاً هندی شده اما باز هم رب النوع آفتاب و مصاحین او که تقریباً رهنه میباشند، هنوز هم موزه در پای خود دارند (۱) و وضعیت خمیدگی شدید پنگالا و دندا، به يك خمیدگی بسیار خفیف تبدیل یافته است. رنهایی را که کمان کش کرده در دست دارند از بس خوردن نشان داده شده اند، زحمت میتوان دید. رنهای رب النوع آفتاب نیز نشان داده شده و در زیر پای اشخاص عمده یازده نفر (روی تپاها) مشاهده میشوند. بعضی اینها دیگر از لحاظ هیاکل الحاقیه زیاد خود، از این کرده هم سنگین تر معلوم میشود. تنه مصاحین (پنگالا و دندا) بتدریج بزرگ شده رفته (رب النوع آفتاب مقام «سورا را ننگ» (۲) در آخر وضعیت عمده‌ی محاذی انداز وجود پیدا کرده رب النوع آفتاب مقام «راجیر» (۳) رب النوع آفتاب و مصاحین او، همیشه موزه در پای دارند و همین کیفیت یگانه خاطره «شمالی» است که تاکنون سنگ تراشان شمالی شرق هند آن را حفظ کرده اند. این تحقیق سریع بنا موقع داده که يك کیفیت بسیار دلچسپی را پیش نظر مجسم نمائیم. و آن عبارت است از قبول دو شخص دیگر در اطراف سیور یا یعنی رب النوع آفتاب هند براهمانی که این دو شخص در انبیه هندی قرن اول قبل از میلاد وجود نداشته و تنها در قرن پنجم عهد مسیحی در منطقه کابل ظهور کرده است. معاینه انبیه بعد تر که از شمال غرب هند بدست آمده نشان میدهد که اشخاص مذکور (دو شخص نو وارد) کم کم لباس «شمالی» خود را ترك و هندی شده رفته و در آخر کار از لباس عجیب خود بجز يك چیز یعنی موزه را حفظ نکرده اند. در اینکه هر دو مصاح و مری آفتاب اصلاً

(۱) کتاب قبل الذکر تصویر ۶۰ و کتاب «حجاریهای متوسطه هندی در برتش موزیم» تالیف (را پر اشاد کاندلا) چاپ لندن ۱۹۳۶ (۲) کتاب قبل الذکر تالیف نالینی کانتاها تاسالی تصویر ۶۱ يك نمونه اشکال شناسی که بواسطه هیاکل الحاق شده مابعد سنگین شده، عبارت است از بنای هیکل دار «مارتاندای بی راوا» مکشوفه از سنگال شمالی که از طرف «کشی بیچ چاندرا سرکار» نشر یافته مجله یار تاسوس Parnasus جلد پنجم نمره (۶) ۱۹۳۳ صفحه ۲۳- این شکل کیاب رب النوع آفتاب از این رهگذر بسیار دلچسپ میباشد. (۳) کتاب «تأثیر ادیان شرقی در بت پرستی رومیها» تالیف موسیوف. کبوموچ چهارم، پاریس ۱۹۲۹ صفحه ۱۲۳- مخصوصاً فصل ششم که مخصوص ایران است. F. Cumont, Les religions musulmanes dans le paganisme romain

از روی منشاء خود، غرنی میباشد، هیچ جای شک و شبهه نیست و مهربی آفتاب که مصاحبین موصوف باطرافش ایستاده اند شخصاً او هم از هند بیگانه است. بنای سنگی کونل خبر خانه لباس مهربی موصوف را - بحز بعض باریکی ها - شبیه سلاطین قرن چهارم میلادی نشان می دهد، و این زمانه مصادف نهضت بزرگ آفتاب در عالم مشرق بوده است (۱) ادیان زردشتی آتش پرستی و آفتاب پرستی از مدت درازی علاقه سیستان (۲) (سکادوی پا - سکاستهانا) را فتح نموده، روز بروز پیش آمده خود را به آستانه هدر رسانید. بود تشبیهات دین آفتاب پرستی در عصر شاهنشاهان سلاله گوپتا خیلی زیاد بوده است. کتیبه « ماند سور » متعلق به سلطنت « کوما را گوپتا » تفصیلات تعبیر معبد آفتاب را در سنه ۴۳۷ بعد از مسیح در بر دارد. سر لوحه « اندور » که در زمان سلطنت نواسه اش « سکادا گوپتا » حکاکی شده از اعانه ذکر کرده است که برای نگه داری چراغ روشنی در معبد آفتاب تخصیص یافته بود (۳) و نیز این مسئله را باید بخاطر گرفت که آئین رب النوع آفتاب مخصوصاً در عهد شهنشاهان « واردهانا » یعنی اخلاف گوپتاها رونق زیادی یافته بود. چنانچه زائر چینی هونتسین (یا هیوان تسانگ) در وقت زیارت رقوج (که در آنجا مهبان مهرنی وارد هانا، پادشاه محل بود، از وجود معبد آفتاب در نزدیکی معبد سیوا (ماهش دارا) ذکر و خاطر نشان کرده که بهر يك از این معابد « نقر کشیش » وجود داشته است (۱) و نیز زائر موصوف از مجسمه طلائی معروف رب النوع آفتاب که مکمل بجواهر بوده،

(۱) کتاب « تاریخ ادبیات هندوستان » تالیف و نتر نتر - ۱ - صفحه ۵۶۷

Vinternitz: History of Indian Literature

(۲) قسمت مهمی از کتاب « بها ویشاپورانا » از رسم آفتاب پرستی معمول در « ساکدویا » بحث رانده و از راهبان آفتاب پرستی موسم « هوجکه » و « مکه » نام گرفته است - و این رسم بدون تردید با آئین آفتاب و آتش پرستی زردشت را بطه دارد - (۳) کتاب قبل الذکر نالینی کانتا بها ناسالی - و دیگر کتاب سلسله های سلطنتی و تاریخ هند از زمان کانکا تا استیلای اسلام - مولفه - ل - دولاوله پوشن -

L. de la Vallée Poussins: Dynasties et l'histoire de l'Inde depuis Kanishka jusqu' aux invasions musulmanes

(۱) کتاب « سی - یو - کی نوشته جات بودائیون در باب دنیای غرب » تالیف ییل - ۱ - صفحه ۲۲۳

Beal: Si. Yu-ki, Buddhist record of the Western World

در زمانیکه هوتسین (زائر چینی) هندوستان را سیاحت میکرد ، (قرن هفتم میلادی)
 امتزاج دو نمونه هیکل تراشی ذیل : - یکی رب النوع آفتاب ودومعاونیکه ، کمان کشیده
 در دست دارند و دیگر رب النوع آفتاب ایرانی ودومعاون ، بکمال خوبی صورت گرفته و رواج
 داشته است . بنای سنگی برجسته مکشوفه از ولایت شمبا (قرن ۸ میلادی) (شکل ح)
 این امتزاج نمونه های هیکل تراشی را شهرت زیادی بخشیده زیرا که در آن دو مصاحب
 باطراف رب النوع آفتاب که مابین به لباس مروج وقت است ، اضافه شده است . باید تذکار
 کرد که از قرن دو یا سوم مسیحی مطابق رسم و رواج بایستی سیور یا یارب النوع آفتاب را بلباس شمال
 هند نمایش میدادند کتاب « متسیا پورانا » که یک سند معتبری بشمار رفته . در آن اشاراتی
 بسوی سلاله « آندرا ها » (۱) بعمل آمده تشریحاتی خوبی را نسبت به خصوصیات
 « شملی » البسه سیور یا یارب النوع آفتاب در بر دارد . این سرایت نمونه ایرانی در نمونه
 هندی خیلی به کندی صورت گرفته است . تنها بوسیله تحقیق تنقیدی مقایسات کتب
 قدیمه مثل (امسو بهی دا کاما) و (پهلوی سبا . پورانا) و (متسیا پورانا) میتوان
 درجات ودوره های سرایت تاثیرات یگانه را در نمونه قدیم هندی . کشف کرد . تحقیقاتی
 که از رهگذر هیکل شناسی و تصویر شناسی در یجها عمل آوردیم فقط یک پهلوی مسئله
 را نشان میدهد : برای کشف اطراف مسئله کتب قدیمه را باید مورد معاینه قرار داد .



تحقیقاتی را که نسبت به بنای سنگی هیکل دار کونل خیرخانه نمودیم .
 در آن وقت بسامع تقدین را بطرف شهر ملتان (۲) جلب میکرد ، تذکار نموده است .

(۱) کتاب « تاریخ ادبیات هندوستان » تالیف و تترتر - ۱ صفحه ۵۶۷ که قبلاً ذکر شد .
 و نیز ملاحظه شود مقاله « تاریخ سمرتی چپترس متسیا پورانا » متعلق « رساله موسسه تحقیقات شرقی
 بهندرکر » . جلد ۱۷ (۱۹۳۵ - ۱۹۳۶) صفحه ۲۶-۲۸ .

Rajandra Candra Harza, The dates of the Smrti, chapters of
 the Matsya Purana, A nual of the Bhandarkar Oriental Reaserch
 institute

(۲) کتاب فوق الذکر ۲ - صفحه ۲۷۴ :

بدون يك تفقیس علیحده راجع به تاریخ معما آمیز همراهان دو گانه رب النوع آفتاب ختم کرده نمیتوانیم . گفتیم نمایش این اشخاص در اطراف رب النوع آفتاب از هند کاملاً بیگانه است (۱) همراهان من بوردر ابدیه قدیم (بد ه گایا - ماتهو را) دیده نمیشوند بنای مرمری خیر خانه آنها را ملبس بالسه قرن ۶ عیسوی مروج وسط آسیا بوضعیت خمیدگی مخصوصی نشان میدهد . این همراهان که در مرکز شمال هند (بهومار) قرن ششم مسیحی) و شمال شرق هند (فرنکی بازار ، سونه رنگت . را جیر . قرن ۱۱ میلادی) با همور یا (رب النوع آفتاب) یکجا شده . متدرجاً لباس شمالی خود را ترك و بدن شان راست شد . آنوقت با همراهان متعدد یکه مطابق قواعد تصویر شناسی برهمنی باید نزدیک همور یا نشان داده شود . نزدیکی بهم رسانیدند . این وضعیت خمیده ظاهر آبابکی از قواعد ثقه هیکل ساری که در قرن پنجم میلادی در منطقه کابل هنوز هم معتبر شناخته میشد . مطابقت دارد . این قاعده در بهومار (قرن ۶ میلادی) ترك شده و بالاخره در قرون وسطی در نواحی شمال شرق هند بکلی از بین رفته است . پس از اینقرار برای جستجوی منشأ همراهان دو گانه رب النوع آفتاب در هند چیزی نمیتوان بدست آورد بلکه باید دوباره در پای خود بنا یعنی در کوتل خیر خانه مرا جمعت کرده ، از اینجا تحقیقات خود را با تصمیم قطعی بطرف غرب پیش ببریم . چنان معلوم میشود که پنگالا و دندا که بد و طرف رب النوع آفتاب کوتل خیر خانه قرار داده شده . به آن دسته

(۱) موسبوژوو دو بروی مصاحبین مجسمه آفتاب بهومار را دو « ازوین » (یعنی برادران دو گانگی اعلام کننده صحیح) میداند . این عقیده قابل اعتبار نمیشود زیرا که مستند بهیچ يك کتاب و سند نیست . عقیده من بور را شخص فوق الذکر در رساله موسوم به « رساله انجمن فرانسوی دوستان شرق » شماره ۱۶ - اپریل ۱۹۳۴ صفحه ۳۹ - ۴۱ تحت عنوان « سیت بهومار » نشر کرده است .

فرشتگان و برادران مقدسی که ادیان قدیم شرقی گاهی به خدای متعال (۱) و گاهی به آفتاب و ماه تاب مربوط میکردند - بی نسبتی نباشد . پیش از آنکه به تفصیلات این مسئله بپردازیم باید یاد دهانی نمائیم که پنگالا یعنی همان کاتبیکه مامور نوشتن اعمال خوب و بد انسانها (۲) میباشد . بواسطه ریش انبوه و رنگ تیره پوست خود از رفیقش دندا تشخیص داده می شود . این دو خصوصیت باید بخاطر گرفته شود .

کتابیکه بتازگی از طرف موسیو فرنان شاپوتیه (۳) نشر شده . چنان نکاتی را در بر دارد که از روی آن نزدیکی های دلچسپی را میتوان درک کرد . مخصوصاً يك بحث آن که راجع به مصاحبین رب النوع آفتاب مقام ایدس (بین النهرین) است ، بنظر ما بسیار مهم و قابل استفاده معلوم میشود . موسیو شاپوتیه مینویسد : ما میدانیم که مردمان ایدس که از رگنذر دین خود ، آفتاب را اهمیت زیادی می دادند بدو طرف آفتاب ، اری زوس و ونیموس ، را قرار می دادند که اول الذکر بطور قطع در نظر شان ستاره صبح و در حال همین اری زوس يك رب النوع قوم پالمیر ، بوده که با آرسو یکجا شده .

(۱) کتاب « آثار عتیقه - سور یا - پیره » که نذر موسیو نام و دو برادر بزرگ سیر یا شده ، تالیف سیر يك ۱۹۳۱ صفحه ۲۷۹ - ۲۸۲ .

(۲) کتاب « هیکل شناسی حجار بهای بودائی و برهمنائی موزه خانه دک » تالیف نالبینی کاتابها تا سال - فصل ۱۲۴ بها و سیا یورا ، قبل الذکر

H. Seyrig: Antiquités syrienne, Pirée dédié au dieu anonyme et aux frères saints Syria.

(۳) رساله « دیوسکور (یکی از اساقفه تاریخی اسکندریه) بخدمت يك مربی مونت کتابخانه های مدارس فرانسوی آتن و روما » بقلم فرنان شاپوتیه و جزوه ۱۳۷ پاریس ۱۹۳۵ صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸ .

Fernand Chapoutier: Les Dioscures au service d'une déesse, bibliothèque des écoles françaises d'Athènes et de Rome

« در کتاب « بهاوشیا پورا نا » (فصل ۱۲۴) نامبرده (یعنی پنگالا صریحاً) بنام اگنی ، خوانده شده و تذکار یافته که خوبی و بدی مردم را می نویسد و باسم « پنگالا » بسبب اینکه رنگ گندمی داشته ، موسوم گردیده است .

مونی موس ستاره شام (مونیم یعنی نیکوکار) است (۱) این دو مصاحب محترم آفتاب یعنی ازی زوس و مونی موس بعقیده موسیو دو سو « از روی نام (فوسفوروس) و (هسپروس) (۲) میباشند ، که در تصویر سازی های (یونانی و شرقی) بعضی تصاویر یونانی شکل ، شرقی ، ستاره صبح و ستاره شام را نیز معرفی میکنند . موسیوشا پوتیه (۳) تبصره مینماید که « مابین این فرشتگان و دیوسکور ها یعنی راهبان منقوشه با اطراف مریان قدیم - فاصله خیلی جزئی و غیر محسوسی موجود است . « کاستور » و « پولوکس » نیز ستاره بر سر دارند و بلان لرزانی بر گردن شان بسته است . همچنانکه شعله چراغ فتیله منقوشه در دست دیوسکور های قدیمی گاهی خم و گاهی ایستاده می شود نوک نیزه های آنها گاهی بسوی آسمان بالا و گاهی بطرف زمین پائین می آید . یکی از آنها که فوسفوروس باشد . چنان معلوم می شود که گویایمی خواهد خنجر را بدست بگیرد . این دو شخص که در « کبیر » (سوریه) شناخته شده . بمثل مصاحبین عقاب مقام « مساد » خوشه سنگین در دست دارند . و طبیعی است که در عالمیکه شرق دران - قوانین خود را بطور وسیعی منتشر ساخته - برای سه تفری ما - اکثر اوضاع مهتاب را مابین دیوسکور ها پیدا کرده است . « دیوسکور ها » که اغلب بامهتاب یکجا نشان داده شده . بعضی اوقات بارب النوع آفتاب نیز همراه می باشند . مجسمه سر آفتاب

(۱) ر سالة « یادداشت های علم الهیات سور یا » تالیف « اردیوسو » فقره دوم - « ازی زوس و مونیموس همراهان رب النوع آفتاب مجله عتیقه شناسی ۱۹۰۲ - ۱ - صفحه ۱۲۹ .

R. Dussaud: Notes de mythologie syrienne, paragr. 2, Azizos et Monimos parèdres du Dieu Solaire, Revue Archéologique.

(۲) کتاب قبل الذکر اثر ار - دیو سو صفحه ۱۲۹ .

(۳) کتاب قبل الذکر اثر فرنان شاپوتیه صفحه ۲۷۸ - ۲۷۹ .

که دور آن را اشعه احاطه کرده - در يك سنگ حکاکی شده که در ضمن مجموعه آثار (کادس) و واسطه موسیو شاپوتیه نشر شده (شکل ی) (۱) بد و طرف رب النوع آفتاب دو دیو سکور یعنی راهب را نشان میدهد . مابه این مسئله اکتفا نمیکنیم که بالای سر و تدارید و ها ستاره کان نمایش داده شده است



(شکل ی)

بلکه ما هم مثل موسیو شاپوتیه از خود می پرسیم که از روی کدام صفت این دو ستاره لیاقت این را پیدا کرده اند که گاهی همراه آفتاب و گاهی همراه مهتاب میباشند؟ موسیو شاپوتیه بصره مینماید که « مفهومی را که ما به کاستور و پولوکس در آسمان اسکندریه داریم ، نمیتوان مفهوم مزبور را همیشه ای آنها حفظ کرد . ماهتاب در میان دو ستاره تو آیین چه معنی دارد ؟ آیا دیو سکور ها در ستاره های دیگر جای نگرفته اند ؟

فقط از خواندن افسانه قدیمکه مربوط به این شخصیت های مذهبی است انسان فکری در پیش خود قائم کرده میتواند : معلوم است که چگونه این دو برادر (کاستور و پولوکس) که خیلی بهم مربوط میباشند ، با هم فیصله نمیتوانسته اند که تنها یکی از آنها از مردن محفوظ باشد . زمانیکه کاستور (پسر جوپتر) از طرف انا میتیده ها مغلوب واقع شد ، پولوکس از زوس (جوپتر) استدعا نمود که برادر دو گانه کی او را از اوجدا نکنند . جوپتر یعنی ارباب بزرگ انواع تصمیم گرفت که این دو برادر به نوبت يك روز را در زمین و يك روز را به آسمان بگذرانند . این نوبت دیو سکورها در یکی از اشعار اودیسه (یونانی) نیز ذکر شده است . چنان مینماید ، که شعرا این معاهده هر دو برادر را با شکل مختلف احساس کرده بعضی این تفریق را خاص بمقصد یکی ساختن دو برادر

(۱) کتاب فوق الذکر اثر فرنان شاپوتیه صفحه ۲۷۱ شکل ۴۶ - ما از موسیو شاپوتیه

اظهار تشکر میکنیم که تصویر - ك و تصویر مندرجه صفحه ۲۶ را در اختیار ما گذاشته است .

دانسته ، میگویند که هر دو برادر - بنوبت دو روز را نزد ، مستمر ، ها و دو روز را در منزل هادس ، (پلوتون) میگذرانند . اکنون همین افسانه را بکلمات علمی افاده مینمائیم :
اساطیر مزبور مربوط بیکى از اجرام سماوى دو گانه گى يعنى دو ستاره پهلو به پهلو است که پهلو به پهلو طلوع کرده و همان طور پهلوى هم در دامن افق غروب میکنند . اما در زمانه هاى مابعد (۱) بطور قطع اين افسانه مذهبی قدیم طوری دیگری نمایش داده شده و بدون آنکه خواہش پولوکس را مد نظر گرفته باشند و یا در حالیکه خواہش مذکور را خیلی کم مراعات کرده اند ، هر دو برادر دو گانه گى موصوف را در حالیکه علیحدہ علیحدہ ہر يك در یکی از دو محل منبوی توقف دارد ، نشان داده اند . و مطابق تناقضیکہ در اساطیر مذهبی قدیم بکثرت دیدہ میشود ، دو برادر دو گانه گى مذکور بجدائی ابدی گرفتار شده ، ہر کدام شان در یکی از عوالم دو گانه يعنى زمین وآسمان باقى مانده اند . و ہر گاہ بخواہیم باز مثل فوق - افسانہ قدیم را با کوائف سماوى تطبیق بدہیم - باید این دو ستارہ توأمین را دو ستارہ درخشان يعنى یکى را روز ، دیگر را شب بدانیم (۲) ملا حظات فوق و یاد داشتی کہ در حاشیہ این صفحہ درج است (۳) عاتقین میکند کہ مابین افسانہ هاى غربی

(۱) در اینجا یاد داشت منضمہ مضمون موسیو شاپوتیہ (یاد داشت ۴ - صفحہ ۲۷۲) از لحاظ اہمیت آن باید ذکر کردہ شود . « راجع بہ تعبیر آن در دامن لوسیان هیچ شك و شبہ باقى نیست Cf. Dial Deor. 26. , hygin poct astr. II23 افسانہ را باین صورت تعبیر میکنند ، itaque alternis die bus eorum quemque lucere. این تشریحات چیست ؟ آیا وجود آن اسبہائی اعتراف باید کرد کہ گاہی سیاہ و گاہی سفید شدہ و زیوسکورہائی کہ بالای ظر و ف تقاشی شدہ ، بآن مزین میباشند ؟ Cf. Panofka, the Roy. Soc. Lit. موزہ خانہ بلا کاس تصویر ۲۸ و « ترجمہ انجمن شاہی ادبیات » سلسلہ دوم جلد ۴ صفحہ ۲۸۹ . (۲) کتاب سابق الذ کر تالیف شاپوتیہ صفحہ ۲۷۱-۲۷۲ ،

(۳) مقالہ « یاد داشت ہا راجع بہ الہیات سوریا » تالیف ار - دو سو فقرہ ۲ (ازى زوس و مونى موس بد و طرف رب النوع آفتاب) منشورہ در مجلہ عتیقہ شناسی فرانسه ۱۹۰۳-۱۲۹ صفحہ ۱۲۹ « ستارہ صبح نیز در نزد اعراب یکى از بزرگان جنگى مذکر بودہ ، و برای آن يك قسمت از غنائم را قربانى میکردند کلمہ « ازب » يعنى قوی مخصوصاً مناسبت داشتہ و از این روستمى (ژولین) کہ ستارہ صبح را مریخ تصور کردہ بد رستى اثبات میشود ، و ستارہ شام طوریکہ بسا اوقات بحال افول دیدہ میشود ، « مونیم » (نیکو کار) میباشد کہ در تعریف یونانى Deo Puero Bono Phosphoro مقابل کلمہ « بونوس » است . همچنین ملاحظہ شود حاشیہ شاپوتیہ در کتاب سابق الذ کر و صفحہ ۲۷۲ نمبر ۲ .

و آثار یکم مطابق افسانه های مذکور - ساخته شده و بنای سنگی کوتل خیرخانه شباهت نزدیکی موجود میباشد مثلاً منشی ریش داریکه يك طرف رالنوع آفتاب قرار گرفته با پوست تیره رنگ خود - ممکن است پری شوم را نشان بدهد که این پری تاریک در وقتیکه شخص نورانی یعنی مرد جنگی یا پری روز - آمدن صبح را اعلام میکنند - در حال خاموش شدن میباشد . آيا ه اسپهائی که گاهی سیاه و گاهی سفید جلوه کرده دیو سکورها (هیاکل رهبانان) رازینت بخشیده * (۱) همین وضعیت آنها به حالت منشی ریش دار تیره رنگ و مرد جنگی نورانی بنای کوتل خیرخانه - شباهتی ندارد ؟ این ملاحظات تفصیلاتی که داده شد - در نظر مانزدیکی ذیل را مجسم میسازد :

الف : ازی زوس - فوسفوروس - کاستور - دندا - ب : - مونیموس - هسپيروس - پولوکس - پنگالا که اینها با هم زدیک میباشد - ولی پریان که یکی ستاره صبح (فوسفوروس) و دیگر ستاره شام (هسپيروس) دانسته شده - خصوصیات انفرادی آنها باندازه خصوصیات که کاستور و پولوکس را از هم امتیاز میدهد - نمیباشد . فوسفوروس - هسپيروس - کاستور - پولوکس در بسیاری از تصاویر و هیاکل - بشکل اشخاص جوانیکه ریش ندارند نشان داده شده و تنها در حال نمایش دادن دندانهای پنگالا امتیاز ریش دار بودن دندا مراعات گردیده است . علاوه برین - باید تذکار نمود که ششائی که در دست فوسفوروس و هسپيروس (چراغ سر بالا و چراغ سر پائین) و کاستور و پولوکس (نیزه ایستاده و بعض اوقات نیزه روبه آسمان و نیزه روبه زمین) وجود دارد از اشیائی که در دست پنگالا میباشد (قلم نی و کتاب) فرق دارد زیرا بخاطر داریم که دندانیک نیزه شکاری را بکف خود گرفته است که هیچ نسبتی به قلم نی و کتاب رفیقش پنگالا بهم نمیساند . اگر چه تصاویر و هیاکل قدیمی هیچگاه هسپيروس را ریش دار نشان نداده - باز هم بقرار گفته شایسته باید تذکار نمود که ه از همان اعصار اول تصویر کشی - بعضی مصوران دو (دیوسکور) را یکی ریش دار و دیگر رانی ریش نمایش داده اند : مثل تصاویر روی



٣٢ - تكة از ماله رب النوع (مرمر)



٣٣ - تكة يك سنك سلبت منقوش



۳۱ - رب النوع آفتاب (از سنگ آبی) مکشوفه از حوالی جلال آباد

صندوق (کپ سلوس) ، موسیو شاپوتیه که همین بی قاعدگی را در یکی از حجارهای برجسته سپارت (یونان) نیز کشف کرده در دنبال گفتار خود چنین مینویسد : این اختلاف در میان کبیر ها (۱) بصورت واضح تری بمشاهده میرسید :

دیو سکور های منقوشه در سر قبر (آرس) یا مجسمه کوچک (وین) هم بمثلی مر بیان (سامو تراس) دوشکل مختلف را نشان میدهند یعنی یک طرف شخص فنا پذیر ی نشان داده شده که آثار تغییرات عمر در او بوضوح نمودار است و رو بروی آن شخص دیگری نمایش یافته که همیشه جوان و شبیه رب النوعان میباشد . همین علامات در دیو سکور های جدید دو گانه یعنی (هادری) و (آتینوس) نیز بمشاهده میرسد . و قتیکه قبصر (سزار) از سفر های طولانی خویش باز گشت . در آخر عمر خویش - آن جوان رعنائی را تماشا کرد که از میان شباب خود سر شار و ستاره جوانی در آسمان انتظار او را داشت . (۲)

کبیر بی ریش و کبیر ریش دار در یک سلسله مسکوکات نزدیک قرن سوم مسیحی مشاهده میشود (۳) . (شکل ۱۰) . نیز هر دو کبیر ، بر صندوق های مرمری که

بلا شک از سقف معبدی بدست آمده - بملاحظه رسیده اما در اینجا یک شکل سوم نیز همراه شان نقش یافته است .



یعنی از ارباب النوع جوانی را بشکل نیم رخ نشان میدهد

که موهای انبوهش گوش و

(شکل ۱۰)

یک قسمت رخسارش را پوشانیده است ، کبیر دومی عبارت از یک سر ریش دار است

(۱) « کبیرها رب النوعان بزرگ سامو تراس بودند که پسان ها بحث دیو سکور ها شناخته و بهمان حیث در تصاویر نمایش داده شدند و چهره شان نیز بلا فاصله درین اوقات واضح تر گردید » کتاب سابق الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۱۱ - مقدمه کتاب .

(۲) کتاب سابق الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۳۲۶ ، نیز ملاحظه شود صفحه ۳۲۲ همین کتاب « دیو سکور های اسکندریه بشکل (آتینوس) و (هادری) نشان داده شده است . » (۳) کتاب سابق الذکر شاپوتیه صفحه ۱۷۵ شکل ۱۵ .

که رو برو نمایش داده شده و زلفانش زنگوله وار بشکل متناسبی بدو طرف سرش آویزان می باشد . اگر چه علامات مشخصه ؛ ناقص است ، باز هم از خواندن تشریحات فوق بالا فاصله فکر انسان بطرف زوس (ژو پتر) و (هر مس) متوجه و این دو شخص مذهبی درین وقت ، بهمان صورتی پدش نظر جلو می کنند که حجاران قدیم عادتاً آنها را نمایش داده اند . (۱) . از اینجا ما ، علامات مشترکی مابین مصاحبین رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه و دیوسکور ها و کبیر هائی که در هیکل سازی قدیم غربی باطراف رب النوعان نمایش داده میشدند - بدست می آوریم . چنانچه وضعیت مخصوص سر پنگالا و دندالا (شکل و - تصویر ۱۴) در بعضی از دیوسکور ها هم ملاحظه می رسد برای آنکه راجع به یکی و وضعیت این هیکل قناعت کلی حاصل شود . تنها ملاحظه دایره المعارف روبرو شر ، (۲) کفایت میکند (جلد اول حصه اول) دایره المعارف موصوف چنین مینویسد : « بحث مادر سر یک باریکی هیکل سازی است که تنها در زمانه قبل و بعد از سلطنت اسکندر - روی کار آمده و تثبیت یافته . راجع به وضعیت سر - دران زمانه چنان یک نمونه معینی معمول گردیده بود که بعضی باریکی های آن با نمونه ما بعد و شور خور ده زوس (ژو پتر) شباهت زیاد داشت . قسمت زیرین پیشانی برجسته و موها از حد پیشانی بطرف پشت سر قات شده و از آنجا زنگوله وار پائین افتاده بود چشمها درشت و بهمانند چشمان هیلوس بود . از اندازه بار بوده بطرف بالا و کمی هم به پهلو نگاه میکرد - سر بتمامها - کمی بطرف قدامتایل بوده که از روی آن انسان گمان میکند که وضعیت عمومی شخص زحمت میباشد (۳) . بوضوح مشاهده میکنیم که وضعیت دندالا نیز بهمین قرار است (تصویر ۱۴) چنانچه تمایل سر بطرف عقب از نگاه مایل آنها که بسوی بالا متوجه می باشد - بخوبی استنباط می شود که

(۱) کتاب سابق الذکر شایوته صفحه ۱۷۷ - ۱۷۸

(۲) دایره المعارف دلبو - ایچ - روشر - W. H. Roscher, Ausfuehrliches

Lexikon der Griechischen und Romischen Mythologie

جلد اول قسمت اول - صفحه ۱۷۵ (۳) دایره المعارف روشر جلد ۱ - قسمت اول صفحه ۱۱۷۲ .

از اثر همین وضعیت سر - در کمر خمیدگی بوجود آمده است کل دیوسکورها عموماً و (لااقل از قرن سوم قبل از میلاد به بعد) عبارت است از کلاه مخروطی شکل (۱) که به نسبت کلاه معاونین رب النوع آفتاب بهو مارا (شکل ۵) و منشی ریش دار (پنگالا کوتل خیرخانه قدری دراز تر بوده - ولی باوجود این نزدیکی تردید ناپذیری در بین این کلاه های مختلف موجود میباشد - از روی این مجموعه مشابه هم که در سطور فوق تذکار گردید اگر نتوانیم که بطور قطع مصاحبین رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه را عبارت از دیوسکورها و کبیرهای منقوشه در هیاکل قدیمی غربی ، بدانیم ، کم از کم اینقدر فیصله کرده میتوانیم که مال این مصاحبین کوتل خیرخانه و دیوسکورها و کبیرهای غربی

(۱) دیوسکورها در پشت بعضی از مسکوکات با کتر یائی (بلخی) هندی و یونانی (اندوگر یک) و هندی و پارتی (اندو پارت) یا بشکل سواران تیر انداز نمایش داده شده (سکه چهار گوشه نقره سلسله اوکراتید های بلخی و مسکوکات مفرغی سلاطین مزبور) بشکل دو کلاه مخروطی شکل هم شکل موسوم به پیللی Peilei معلوم است (ملاحظه شود کتاب سابق الذکر موسوم به شاپوتیه صفحه ۲۸ شکل ۵۳) که در فرق این کلاه ها علامتی بشکل هلال و ستاره موجود میباشد (لوحه فلزی سا باز یوس - موزه کونینهاگ) مسکوکات چند گوشه اوکراتید های



(شکل ق)

بلخی که عبارت از نقل پسنه این نمونه و بنام (لیا کا کو سولیا) ضرب شده همان علامت را بشکل بسیار خورده شده نشان میدهد که بمنزله زینت نوك تیز فرق کلاه بمنظر رسیده ، شباهت کمی با دکه نوك کلا پنگالا دارد (تصویر ۱۴) ، مسکوکات پسنه تر شاهان سلاله آنتیا لسیداس ، ارشی بیوس یک علامت بسیار عجیبی را ارائه میکند

که عبارت است از دو کلاه هم شکل که در فرق آن علامت سه گوشه نصب بوده ، علامت مزبور همان نوك های هلالی و ستاره فوق الذکر را بخاطر خطوط میدهد . کتاب کبیرج هستری آف اندیا - جلد اول تصویر ۳۰ ب Cambridge History of India اوکراتیدس ، دیوسکورها های تبر انداز تصویر ۳۹ - ۸ (اوکراتیدس سکه مفرغی ، دیوسکورها های تبر انداز) ۴۱ ، اوکراتیدس کلاه پیللی یک دکه ۴۲ ، (لیا کا کو سولا کا کلاه پیللی یک دکه می) ۴۳ ، آنتیا لسیداس ، کلاه پیللی سه دکه ، ۴۴ (ارشی بیوس کلاه پیللی سه دکه می) .

قراوت زیادی وجود دارد . بالجمله این کیفیت را هم از نظر نیندازیم که دیوسکورها بحیث « راهب » محسوب میشوند . موسیو شاپوتیه در کتاب معروف خود چنین منویسند « این دو نفر راه راست را نشان میدهند و مخصوصاً امتیازیکه بر دیگران دارند عبارت از اینست که روز مره در امتداد راهیکه باید تعقیب کرد ، رفت و آمد میکنند ، هر روز کاستور و پولوکس از « زینه ستارگان » بالا میروند ، هر روز در آن جائیکه مرگ بر ما فرار شد ، یقین داریم که با آنها مقابل خواهیم شد ، فاصله بین رفت و آمد آنها علامت انتقال مرده است . به زندگی جدید (۱) ، موسیو شاپوتیه بدون تردید حالات دو گانه را که بعضی وقت دیوسکورها بخود میگیرند (دیوسکور ریش دار و دیوسکور های بی ریش) عبارت از یک تصویر نوبت مزبور می داند ، وظیفه محاسبی (. . . .) به کاتب ریش دار تعلق دارد و او است که میزان باقی یا فاضل بودن را که بواسطه آن مقدرات تخیلی ارواح در موقع « انتقال از حالتی بحالت جدید » تعیین میشود ، بر قرار میسازد . بنابراین وظیفه خود مشار الیه ربط قریبی برب النوع آفتاب « هلیوس سیکوپومپ » داشته و وظیفه میانجی گری اش او را اکثر اوقات به (میترا) (۲) نزدیک میگرداند رب النوع آفتاب یعنی « قلب جهان » بقرار عتیقه قداماً مخصوصاً رب النوع مقتدر بوده و همچنانکه به نوبت گاهی اجرام سماوی را از خود دور و گاهی بخود نزدیک میساخت ، هلال قسم باثر یک سلسله انتشارات و انجذابات در موقع ولادت قوا را در اجسامیکه ترزیق میکرد ، فرستاده و پس از عدم

(۱) کذب سابق الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۲۲۵ .

(۲) کتاب « یاد داشت ها راجع به الهیات سور یا » فقره ۴ تحت عنوان « هلیوس پسی کوپومپ » منتشره در « مجله عتیقه شناسی » فرانسه ۱۹۰۳ - ۱ - صفحه ۱۴۷ راجع به اهمیت که تنهایی مطلقه آفتاب در امتداد دوره یونانی پیدا کرده بود ، ملاحظه شود کتاب تأثیر ادیان شرقی در بت پرستی رومی ، تالیف اف - کیومون - طبع چهارم که به توجهات موزه خانه آثار شرقیه پاریس (موزه گیمه) جعل آمده ، پاریس ۱۹۲۹ صفحه ۱۲۲ - ۱۲۴ -

F. Cumont: les Religions orientales dans le paganisme Romain.

R. Dussand: Notes de mythologie syrienne (Hélios Psychopompe)
Revue Archéologique.

دوباره قوای منور را به پیش خود بالای آورد. (۱)، وظیفه پنکالا یا منشی که مأمور نوشتن اعمال بوده فهمانده و اثبات یافته نمیتواند مگر در صورتیکه بوجود يك شخصیت بزرگ «پسیکو پومپ» قائل شویم که بقرار تشریحات فوق در موضوع قوای د-تی دارد و در نمایشات بنای سنگی کوتل خیرخانه، تنها شخص رالنوع آفتاب صلاحیت پسیکو پومپ را دارد و بس.

فصل چهارم

در ضمن تشریح حجرات مکشوفه از کوتل خیرخانه (حفریات موسیو ژان - کارل) بسوی يك سکوی مرمری اشاره کردیم که بالای آن پاهای يك مجسمه بزرگ و پای چپ يك مجسمه کوچک بحال شکستگی هنوز باقی میباشد. این سکوی مرمری در میان لوحه سنگی نصب شده بود که قسمت وسطی کرسی واقعه در ته حجره الف و متصل دیوار، را پوشانده بود، (سوراخ مرمری جای نصب) (تصویر ۱۰) - در میان خاك توده که زاویه راست درون همین حجره الف (تصویر ۱۰) را پر کرده بود، يك مجسمه کوچکی کشف شده که يك نفر معطی (انعام میدهد) را بحال تکیه کردن بر يك ستون مدور نشان میدهد (تصویر ۱۲ و ۱۳ این مجسمه کوچک که پای چپ آن هنوز بالای سکوی مرمری باقی است، به آسانی بطرف چپ بقایای مجسمه کلان د-تی پاهای شکسته آن، (تصویر ۱۳) جای خود را اشغال کرده میتواند. پاهای برهنه شکسته (۲) به مجسمه تعلق داشته که یکی از بزرگان مذهبی را نمایش می داد که بلندی قامتش از ۶ ر. تا ۶۵ ر. متر بالغ می شده است. پس بطرف چپ این شخصیت بزرگ شخص

(۱) کتاب فوق الذکر تالیف - اف - کیومون صفحه ۱۲۳

(۲) بزرگی سکوی مرمری - طول ۳۷ ر. عرض ۱۳ ر. بلندی ۱۰ ر. متر - بزرگی پای مجسمه بزرگ (تکه آن) - طول پای راست ۱۱۴ ر. عرض پای چپ ۱۱۷ ر. ضخامت حد بجلک هر دو پا ۴۶ ر. متر - بلندی انتهایی حد شکسته کی پای چپ ۰.۷ متر و از پای راست ۰.۳۷ ر. متر.

ریزه اندامی که فوقاً بـوی آن اشاره کردیم (تصویر ۱۳) (۱) طوری ایستاده بوده است که وزن بدنش بالای پای چپش افتاده و به کمر ستونی تکیه کرده بود، چنانچه حال هم پهلوی راست مجسمه کوچک مذکور به پارچه از ستون وصل میباشد. بند دست راست مجسمه کوچک و یک قسمت از بازوی راست و پای راستش مفقود شده است بازوی چپ از حد شانه شکسته ولی دست چپ باقی و بر دسته شمشری تکیه دارد (۲) سرش بزرگ (بلندی ۴۵ ر.، ارتفاع مجموعی کل بدن ۲۱ ر. متر) موهایش دراز و بواسطه یک رده عمودی از وسط دوشق شده و یک فته موهایش را محکم گرفته است. نوک موهایش بصورت زنگوله های کوچک و کوتاه جلوه میکند (مقایسه کنید بایک مسکوک ه. اورودس، اول ۳۷ تا ۳۸ - ۵۷ قبل از میلاد) (شکل م) - چهره او کمی فر به بینی اش راست و کوتاه، چشمها بسیار درشت و لب بالایش خوش ساخت و بالای آن بروت نازکی بنظر میرسد. لباس دراز، بقامتش جسیپیده و شکمش را بر جسته نشان میدهد. چین های لباس بصورت چین های خفیف مخصوصاً در حصه زیرین لباس که مزین با کناره سیاه مرکب از مروارید های درشت است نمودار و حاشیه مروارید مزبور بصورت دوردیف عمودی بطرف راست و چپ سر بالا امتداد یافته. کمر بند دو مرتبه دور بدنش دور خورده و دور دوم آن قدری پائین افتاده بنظر می رسد که پائین افتادگی مذکور با اثر محکم شدن دوشئی لنگر دار میباشد: یکی خنجر کوتاهی که تیغ عریض، و دیگر شمشری که دسته درازی دارد. شخص موصوف گلو بند مروارید و یک

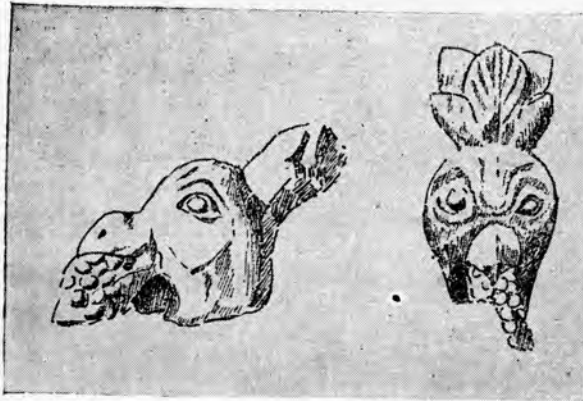
(۱) بزرگی مجسمه کوچک: - بلندی کل بدن ۲۱ ر.، بلندی سر ۴۵ ر.، بلندی لباس ۱۱۳۵ ر. و بلندی موزه ها ۲۸ ر. متر.

(۲) شمشر از همان قسمی است که دردست جوان المی رینی تاجدار میباشد که در یکی از حجارهای پر جسته مقام یالیر (سوریه) بواسطه موسیو روستو ترف کشف شده ملاحظه شود. کتاب I. Rostovtzeff: Dura and the problem of the Parthian Art
تالیف موسیو روستو ترف شکل ۵۱ (طبع جدید بر ای مطالعات مدارس جلد ۵ منتشر از طرف پل یونیورسیتی پریس ۱۹۳۵).

آویزه بر روی سینه خود دارد که نشان بیضای شکلی در آن بسته است .
 شلوار این شخص بمثل (برجس) در حصه ران ها قدری برآمدگی داشته ، نوک های
 آن در زیر موزه ها پنهان شده که در موزه های مذکور خطوط عمیق افقی متوازی
 بنظر میرسد . موزه هایش چنان معلوم میشود که بزحمت درپاوش خارجی (مثل کلوش
 که مسیح در آن داخل میشود) داخل و بواسطه نوار هائی که نوک های آن بد و طرف
 آویخته است ، در حصه پشت پای محکم شده . دردست راست خود (که شکسته) ، تاج فیه
 داری را گرفته بوده که بحضور شخصیت بزرگ مجاور خویش تقدیم میکرد . است فیه گل
 دار دراز آن هنوز هم بوضوح دیده میشود . نشانه نقوش سرخ در لباس و نقوش آبی روی
 موزه ها حصه بحصه بنظر می رسد . شخص موصوف تاج را بواسطه این فیه که بان وصل بوده
 محکم گرفته بوده در پشت سکه های سلاطین (پارت) شکل همین قسم اشخاص دیده
 میشود که تاجهای فیه دار را به بزرگان مذهبی تقدیم میکنند (مسکوکات ولوزاول
 (۵۱ - ۷۷ - ۷۸ میلادی) و لوژز پنجم (۲۰۷ یا ۲۰۸ - ۲۲۱ یا ۲۲۲ میلادی)
 (۱) مجسمه کوچک مزبور باوجود اینکه تناسبات آن قدری کلفت است ، باز هم از نقطه
 نظرفن ، چنان يك نمونه کاملی را ارائه می کند که مهارت تردید ناپذیر استادان آن فیه را
 اثبات کرده ، تصویر سازی های خشن دیگر حجارانی که بالای سنگ سلیت تصویر کشیده
 اند خیلی از آن عقب مانده است .

در جمله دیگر آثار مکشوفه از کوتل خیرخانه يك تکه سنگ مرمر کوچیکه سر
 پرنده نول چنگی را نمایش می دهد ، لائق آنست که بصورت علیحده تذکار کرده شود
 (شکل ل) ابعاد آن بسیار کوچک بوده (بلندی ۲۶ . ر . ، طول ۱۷ . ر . ، ضخامت

(۱) فاتحینیکه که در پشت بعضی از مسکوکات هندی و پارتی (اندو پارت) مثل مؤسس آرس
 کوند و فارس ، اوتها گنس - پاکورس و غیره نقش شده ، آن ها نیز همین قسم تاجهای فیه دار را
 در دست دارند ، این نمونه بعد ها از طرف ساسانی ها نیز معمول گردیده (ملاحظه شود فاتحین
 طاق بستان) .



(شکل ل)

انتهاى ۹. ر. متر) هنوز
نقوش آبی رنگ ،
بکمال وضوح دران دیده
میشود ، این سر پرند
از حد شروع کردن ،
شکسته ، درنول خود که
نسبت به نول طوطی
درازتر است ، یک ششی را
محکم گرفته که مرکب از
اجسام مدور خورده خورده

۳۳. چسپیده (یادانه یا مروارید) میباشد. در فرق سرش که خیلی مدور بنظر می آید ، یک قسم
تاج دیده میشود که از اجتماع پنج دانه پر خوش ساخت تشکیل یافته و همین تاج خصوصیت
مهم آن بشمار میرود . باید بخاطر گرفت که همین قسم پرندۀ نول چنگ و دارای تاجیکه
در قسمت مدور سر آن واقع شده ، در حقیقت جزء تزئینات قسمت آخر گلو بندهای
مخصوصی بوده (شکل م) که شاه اورودس از سلالۀ اراشکانی ها یاساسیدهای آسیای
مرکزی (۵۷ - ۳۸ یا ۳۷ قبل از میلاد) استعمال میکرد . مسکوکات چهار
کوشه نقره ئی ژ - مورگان انتشار داده (شکل م) (۱) و نیز همین قسم مرغها ، در
تزئینات تاج بعضی (بودیزا تو) های آسیای مرکزی - بمشاهده میرسد (سوباشی
هیئت پول پیلو فرانسوی) (شکل ن)
دیگر اشیائی که از کوتل خیرخانه کشف شده بقرار ذیل است :-

(۱) رسالۀ مسکوکات شرقی در قدیم و قرون وسطی اثر ژ - مورگان - پاریس ۱۹۲۳ -

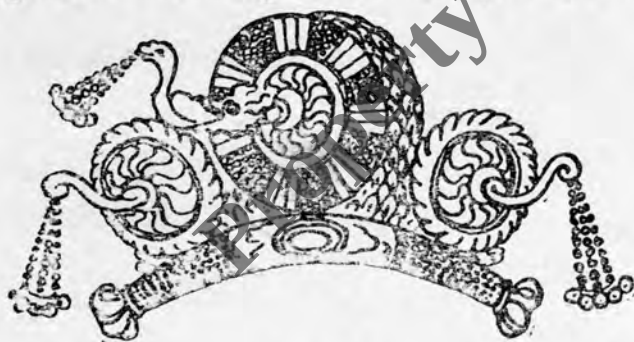
جزوۀ ۱ - صفحہ ۱۵۸ شکل ۱۶۱ .

J.de Morgan, Manuel de numismatique orientale de l'antiquité
et du Moyen Age.



(شکل م)

حالانکه آنچه پیشتر به تفصیل ذکر دیدیم عبارت از نفوذ صنایع بومی بود که بطور واضح



(شکل ن)

قدیمی هلمند، قندهار و غزنی سرایت کرده بود. این علاقه جات و این شهر ها که در بسط و انتشار نفوذ تمدن بومی و یونانی سهم مهمی داشته اند باید اینها هم به مانند بلخ توجه علمیای عتیقه شناسی را بسوی خود جلب کنند. (آنها)

(۱) يك پارچه سنگ مرمر
که هاله نور و نوك فینه را نشان
می دهد که دارای خطوط عمودی
است (تصویر ۳۲ - ۳۳)

(۲) يك پارچه سنگ سلیت
مدور که تزئینات مار پیچی بشکل
گلپای خمیده و مرغابی ها در حال
پرواز بر آن نقش شده است (تصویر
۳۳ - ۳۴)

اینها که گفتیم کم کم خراب
های عصر پارت ها را در بر دلود

تری بمقابل بیننده جلو
میکنند. راه انتشار این
صنایع طبعاً عبارت از
همان راهی بوده که سابقاً
بوسیله آن تأثیرات مزبور،
به شهر های مخر و به
سیستان و منزلکا های

Proper ACKU





سید قاسم رشتیا
S. Kassêm Reshtî



موسیو ژوزف هاکن
M. J. Hackin



غلطنامہ

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۵	سر صفحہ	کرتل	کوتل
»	»	۵۱	۱۵
۲۴	سطر آخر پاورقی	» دکہ	» دکہ
۲۵	»	Under	Under
۳۶	پاورقی	Detesof	Dates of
»	»	A nual	Annual
۳۷	سطر ۲ پاورقی	صحیح	صبح
»	ما قبل آخر پاورقی	Uhumara	Bhumara
۴۲	آخر پاورقی	صفحہ ۳ ہمین کتاب	صفحہ ۵۳ اصل
			کتاب (و در ترجمہ
			فارسی صفحہ ۲۱)

